

پنجشنبه، ۱۴ تیر ۱۳۸۶
۵ ژوئیه ۲۰۰۷

۶۲

کارگر کمونیست

دو هفته یکبار، پنجشنبه، منتشر میشود

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران - درباره مسائل جنبش کارگری

kargar_komonist@yahoo.com

www.wpiran.org/kk-index.htm



ناصر اصغری

تفرقه بین کارگران را جمهوری اسلامی

دامن میزند

به این دام نیافتید

داشت و کارگران با گرفتن قول و وعده از مسئولین دولتی به تجمع خود پایان دادند با برجسته کردن همین جنبه از طریق همین خبرگزاری مخابره شد. متن اخبار را میتوانید در سایت ایلنا دنبال کنید. اعتراض کارگران شاید به این نحو نباشد که پادوهای خانه کارگر در ایلنا

صفحه ۹

میکنند و تعدادی کارگر جدید استخدام میکنند. گزارشگر ایلنا در بوق کرده است که گویا "جمع کشیری از جوانان بیکار و جوینده کار شهر لوشان، در اعتراض به اخراج کارگران بومی و جذب نیروی کار غیربومی از طرف شرکتهای پیمانی، جلوی کارخانه سیمان خزر تجمع کردند." این تجمع که تا روز ۵ تیر ادامه

خبرگزاری دولتی ایلنا روز ۳ تیر خبری منتشر کرد مبنی بر اینکه "جوانان بیکار، در اعتراض به استخدام کارگران غیربومی جلوی کارخانه تجمع کردند". جریان از این قرار بوده که شرکت سیمان خزر لوشان، یکی از شهرهای بخش مرکزی شهرستان رودبار در استان گیلان، کارگران رسمی خود را اخراج



کاظم نیکخواه

منصور اسانلو کدام

جنبش را نمایندگی

میکنند؟

ساعت ۶ صبح به تهران باز می گردند. سندیکای کارگران شرکت واحد این بازگشت غرور آفرین را به همه کارگران ایران تبریک می گوید. سندیکای کارگران شرکت واحد - اتوبوسرانی تهران و حومه. ۳۰/۳/۱۳۸۶

بازگشت "پرافتخار"، "غرور آفرین"، "با سربلندی" که بخاطر آن باید به همه کارگران ایران تبریک گفت. سوال اینست که چه چیز افتخار آفرین و غرور آفرین و سربلندانه است؟ استقبال گرم از اسانلو از جانب اتحادیه های کارگری مهم؟ اینکه اسانلو نه فقط از زندان آزاد شد بلکه توانست راهی خارج کشور شود و با دوستدارانش سخن

صفحه ۸

این اطلاعیه کوتاه را روز گذشته روی يك سایت اینترنتی دیدم. "بازگشت پر افتخار نماینده سندیکای کارگران شرکت واحد منصور اسانلو را شادباش می گوئیم. قابل توجه دوستداران سندیکای کارگران شرکت واحد

منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد که بعنوان نماینده منتخب هیئت مدیره سندیکا در کنگره سالیانه فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل (ITF) در لندن و مجمع عمومی کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری (ITUC) در بروکسل شرکت کرده بود با سر بلندی، صبح جمعه اول تیر ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و شش

خواسته های فوری معلمان

متن ارائه شده از سوی تعدادی از معلمان به سازمان آموزش بین الملل که برای امضا هم اکنون روی سایت هاست.

کشور در ماه های پایانی سال گذشته ، با شرکت در يك حرکت سراسری اعتراض خود را به وضعیت معیشتی و آموزشی اعلام نمودند.

صفحه ۷

شرکت در کنفرانس محروم هستند اما ما خود را در کنار شما و بخشی از جامعه آموزشی جهانی احساس میکنیم معلمان و کارکنان آموزشی

همکاران گرامی ،
تبریکات ما را برای برگزاری این کنفرانس بپذیرید. گرچه نمایندگان ما به دلیل شرایط موجود در ایران از

دست حکومت از زندگی مردم کوتاه!

سه میه بندی بنزین فوراً باید لغو گردد! - صفحه ۲

قانون گرایی افراطی منصور اسانلودر جنبش کارگری

محمد مزرعه کار - صفحه ۹

نگاه کارگران به خود

آرام دانشی - صفحه ۱۳

اعتراضات را باید وسعت بخشید

ناصر اصغری - صفحه ۳

صفحه بین المللی کارگری

داود رفاهی - نادر احمدی - صفحه ۱۱

برای آزادی رهبران دستگیر شده و ادامه

یک مبارزه چه باید کرد؟

در باره بحث رفیق ناصر اصغری

منصور ترکاشوند - حبیب بکتابش - صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

دست حکومت از زندگی مردم کوتاه!

سهیمه بندی بنزین فوراً باید لغو گردد!

خواست لغو طرح سهیمه بندی و با شعار افزایش قیمت‌ها موقوف اعتراض علیه جمهوری اسلامی را گسترش دهید. نه تنها طرح جیره بندی بنزین بلکه کل این بساط چپاول و غارت می‌تواند و باید بقدرت اعتراض و مبارزه ما مردم برچیده شود. جمهوری اسلامی باید برود. برای پالیان بخشیدن به گرانی و فقر و بیکاری و تبعیض و نابرابری که سراسر جامعه را در بر گرفته است این حکومت باید سرنگون شود. متحد و متشکل بخوابانها بیائید و ناقوس مرگ حکومت اسلامی سرمایه را بصدا درآورد!

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۷ تیر ۱۳۸۶ - ۲۸ ژوئن ۲۰۰۷

است که برای جنگ، تبلیغ خرافات، نگهداری گله های حزب الله و پاسدار، و برای سرپاماندن دهها نهاد جنایت و سرکوب کرور پولی را که از جیب ما مردم کارکن جامعه دزدیده اند خرج میکند. این بساط را باید در هم پیچید.

مردم آزاد میخواه!

حکومت اسلامی باید فوراً طرح سهیمه بندی را پس بگیرد و بهای بنزین نباید افزایش پیدا کند. تنها اعتراض گسترده و قدرتمند ما می‌تواند رژیم را به عقب براند. این اعتراضات باید به شکل گسترده و یکپارچه تا عقب نشینی کامل رژیم ادامه یابد. بر سر کار نروید و به اجتماعات و تظاهراتهای اعتراضی بپیوندید. متحد و متشکل شوید. و با

تصمیم حکومت اسلامی درباره سهیمه بندی بنزین بلافاصله با اعتراضات گسترده مردم در سراسر ایران روبرو شد. حکومت اسلامی را باید وادار به عقب نشینی کرد. قدرت اعتراض و تجمع مردم باید به رژیم نشان دهد که نمیتواند بیش از این به معیشت مردم حمله کند. این حمله طبقه سرمایه دار و حکومت اسلامی آنها به زندگی بخور و نمیر کارگران و مردم زحمتکش در سراسر ایران است. این حمله را باید در هم شکست.

رژیم اسلامی بنزین را در کشوری جیره بندی میکند که بر دریای نفت خوابیده است! این حکومتی است که ثروتهای نجومی گله آخوند و سرمایه دار را از جیب ما کارگران و با تحمیل زندگی زیر خط فقر به اکثریت عظیم جامعه تامین کرده است. این رژیمی

هشدار!

جان دستگیر شدگان اعتراضات اخیر در خطر است!

مبارزه متحد و سراسری خود این رژیم ضد انسانی را در امواج سهمگین مبارزه خود غرق کنیم. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی همه مردم و سازمانهای بین المللی را فرامی خواند تا برای آزادی دستگیر شدگان اعتراضات اخیر و همه زندانیان سیاسی، رژیم اسلامی را شدیداً تحت فشار بگذارند. لیست همه دستگیر شدگان را فوراً برای ما ارسال کنید تا در اختیار همه مجامع بین المللی قرار گیرد. هیچ يك از دستگیر شدگان اعتراضات اخیر نباید گمنام باشند. برای حفظ سلامت این دستگیر شدگان، در اختیار داشتن این اسامی مهم و تعیین کننده است.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

۳۰ ژوئن ۲۰۰۷ - ۹ تیر ۱۳۸۶

سخنگوی کمیته: کیوان جاوید

iran_political_prisoner@yahoo.com

۰۰۴۴۷۹۰۴۴۱۳۵۲۵

مردم! حکومت اسلامی وارد يك جنگ تمام عیار با مردم شده است و مردم حق دارند دست به مقابله با این آدمکشها بزنند. مردم حق دارند مانع از سهیمه بندی بنزین شوند. در اولین شبی که بنزین سهیمه بندی شد، اوراق عمومی بطور چشمگیری گران شد. رژیم اسلامی می خواهد سفره خالی مردم را بیش از این خالی تر کند. مردم را بیش از گذشته به خاک سیاه بنشانند. اوضاع حساسی است. اگر تعرض افسارگسیخته رژیم اسلامی را با تمام قوا عقب زنیم این رژیم جنایتکار آماده است تا دست به کشتار دستگیر شدگان اخیر بزند. مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و خصوصاً دستگیر شدگان اخیر باید آنچنان سراسری و همه جانبه و گسترده باشد تا رژیم اسلامی سریعاً عقب نشسته و همه دستگیر شدگان را آزاد کند. این رژیم بر دریای خشم و نفرت مردم دست و پا می زند. با

بنا به اخبار دریافتی بیش از ۲۵۵ نفر که در اعتراض به سهیمه بندی بنزین در تهران دستگیر شده اند به زندان اوین منتقل شده و از سرنوشت تعداد زیادی از دستگیر شدگان اطلاعی در دسترس نیست. همچنین خبردستگیری ۱۵۰ نفر در یاسوج دریافت گردیده است. اعتراضات مردم که از سه روز قبل به دلیل جیره بندی بنزین شروع شده است در بسیاری از نقاط ایران همچنان ادامه دارد و رژیم جنایتکار اسلامی تهدید کرده است که این دستگیر شدگان به مجازاتهای سنگین، یا به اشد مجازات برسند. خامنه ای جانی را وارد معرکه کرده اند تا از مردم "زهر چشم بگیرد" و از دولت احمدی نژاد "قاطعانه" دفاع کند. اما مردم در دفاع از حق انسانی خود برای يك زندگی بهتر کوتاه نمی آیند. اعتراضات این چند روز گذشته تنها گوشه ای از جنگ مردم با اوباش خون آشام اسلامی است.



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

کارگر کمونیست

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران
درباره مسائل جنبش کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

Email: kargar_komonist@yahoo.com
Fax: 001 309 404 1794

هیئت تحریریه

ناصر اصغری

nasser_asgary@yahoo.com

شها دانشفر

shahla_daneshfar@yahoo.com

یاشار سهندی

y_sahandi@yahoo.com

حسن صالحی

hasan_salehi2001@yahoo.com

دقتر Tel: 0046 739 318 404

مرکزی Fax: 0046 864 897 16

حزب markazi.wpi@gmail.com

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست.

پاسخ کارگران به پرسشهای کارگر کمونیست

این هفته در صفحه پاسخ کارگران به سوالات کارگر کمونیست گفتگوی شهلا دانشفر با یکی از معلمان در مورد خواستههای معلمان را داریم که روشننگر جنبه های مهمی از وضعیت مبارزه آنان است. در همین شماره نشریه متن نامه شماری از معلمان به کنفرانس سازمان آموزش بین المللی و خواستههای آنها منعکس شده است که هم گویای عزم آنان برای ادامه اعتراض و مبارزه است و هم مهمترین خواستههایشان را بیان میکند.

شهلا دانشفر: چند ماه است که اعتراضات معلمان جریان دارد خواستههای شما مشخصا چیست؟

اسرار ازل: اعتراضات صنفی معلمان از ۱۵ اسفند ماه گذشته (۱۳۸۵) رسماً شروع شد و پس از کش و قوسهای فراوان بعد از سه ماه در ۱۸ اردیبهشت ۸۶ به پایان رسید.

خواسته های معلمان مشخصاً افزایش دستمزد بود. اکثر معلمان اتفاق نظر دارند که حقوقشان پاسخگوی نیازهای روزمره آنها نیست و لذا منزلت اجتماعی آنها خدشه دار گردیده است. همچنین کیفیت آموزش هم مد نظر بود و جو سنگین آموزش و پرورش هم همینطور از موارد اعتراض معلمان بود اما مشخصاً دلیل اصلی اعتصاب و اعتراض معلمان وضع تاسف بار معیشتی آنها بود.

شهلا دانشفر: الان این اعتراضات در

چه وضعیتی است و آخرین اخبار چیست؟

اسرار ازل: الان در يك مرحله انتظار و پایان یافتن تعطیلات به سر میبرند. فعالان صنفی هزینه سنگینی پرداخته اند. انفصال از خدمت و زندان و ارباب و تهدید آنها هم مزید بر علت شده است. همین باعث شده که محتاط باشند. ما به حمایت مردم و حمایت بین المللی از جمله کنفرانس آموزش بین الملل که در مرداد ماه برگزار میشود، امیدواریم که دوباره موضوع اعتراض و خواستههای ما انعکاس بیشتری پیدا کند. در این اجلاس از نمایندگان کانون صنفی ایران هم دعوت شده است. از طرفی خواستههای خود را بصورت نامه ای خطاب به این کنفرانس نوشته ایم و داریم برای آن امضا جمع میکنیم. این متن هم اکنون در اینترنت قرار دارد. امیدواریم بتوانیم از این طریق به دولت ایران برای

توجه به خواسته های معلمان فشار بیاوریم و همینطور همکارانمان را که در خطر انفصال هستند نجات بدهیم. متن این نامه را همین جا ضمیمه میکنیم.

شهلا دانشفر: ارزیابی شما از اعتراضاتی که داشتید چیست؟

اسرار ازل: حرکت اعتراضی همیشه گامی به جلو است. مشکل ما الان این است که تشکلهای صنفی و حتی عامه مردم نمیتوانند درست اعتراض کنند. تنها راه پیشرفت به سوی مردم سالاری در جامعه ایران اعتراضات و اعتصابات گسترده ا فشار مختلف مردم است. همین قضیه میتواند حکومت را وادار به عقب نشینی کند. ضعف سازماندهی طبعاً يك آسیب اجتماعی است. ریشه در عقب ماندگی فرهنگی جامعه ما در این سالها دارد.

شهلا دانشفر: چشم انداز این اعتراضات را چه میبینید؟

اسرار ازل: صد البته امیدوار کننده است. تا به حال سابقه نداشته معلمان دست به جمعی ۳۰ هزار نفری بزنند و این اتفاق در اعتراضات اخیر ما روی داد. ما اعتصاب سراسری قدرتمندی داشتیم. همین امر حکومت ایران را به وحشت انداخت. برخوردهای خشن و بیرحمانه با سران تشکلهای صنفی معلمان، نشان از این ترس دارد. اما این زخم دوباره سر باز خواهد کرد امیدواریم از مهر ماه با توجه به بر آورده نشدن خواسته های معلمان، دوباره اعتراضات از سر گرفته شود.

شهلا دانشفر: موفقیت این اعتراضات را در چه میبینید؟

اسرار ازل: راه موفقیت اتحاد بیشتر معلمان و حمایت از کانونهای صنفی است. همینطور حمایت صنفهای دیگر

مانند کارگران و دانشجویان از مبارزات ما بسیار موثر خواهد بود. امیدواریم در آینده شاهد اتحاد اعتراضات همه بخش های جامعه باشیم.

شهلا دانشفر: انتظارتان از مردم چیست؟

اسرار ازل: مردم ارتباط وسیعی با معلمان دارند. دانش آموزان هم همینطور من معتقدم اگر معلمان قدر و منزلت خود را بدانند بسیار میتوانند در جامعه تاثیر گذار باشند. اگر مدارس به تعطیلی کشده شود، هم دانش آموزان با این قضیه درگیر هستند و هم اولیا آنها و این خود طیف بسیار گسترده ای از مردم ما را شامل میشود. حمایت دانش آموزان و اولیا آنها از معلمان بسیار موثر خواهد بود و ما انتظار يك حمایت وسیع از کل مردم را داریم.*

اعتراضات را باید وسعت بخشید

ناصر اصغری

شیوه اعتراض را هم باید رادیکال کرد

خبرگزاری دولتی ایلنا، روز ۲ تیر خبری منتشر کرد مبنی بر اینکه "۳۵۰ هزار اصفهانی در مورد اشتغال برای رئیس جمهور نامه نوشتند". این خبر که مربوط به سفر اخیر هیئت دولت اسلامی در

خصوص مسائل کار و اشتغال به استان اصفهان بوده، اعتراضات گسترده ای را برانگیخته است. این تعداد نامه فقط ۱۰ درصد از نامه هایی بوده که این هیئت دریافت کرده اند.

طبعاً نامه و طومار نوشتن به مسئولین دولتی هم يك شیوه از اعتراض است. این اعتراضات را هم

باید وسعت بخشید. حتی با داشتن دو کار هم زندگی کارگران به راحتی نمیگذرد. چه برسد به اینکه این تعداد انسان در این کشور که نه از بیمه بیکاری، نه از هیچگونه بیمه اجتماعی خبری نیست، بیکار هم باشند.

اما به نظر من جامعه اکنون در فازی است که باید اعتراضات به این وضع؛ به بیکاری در يك چنین ابعادی اشکال بسیار رادیکالتری بخود بگیرد. باید اعتراضات خیابانی

همان حکومتی هستند که همه کارگران ایران را به بی حقوقی و فقر و بی تامینی غیر قابل تحمل محکوم کرده است. دشمنی با کارگران افغان دشمنی با کل کارگران است و دفاع تمام عیار از هم طبقه ای های افغانی ما يك شاخص رشد و پیشروی جنبش کارگری در ایران است. خبر را بخوانید: "قائم مقام خانه کارگر پاکدشت گفت: کارگران افغانی هنوز در

سازمان داد. باید تشکلهای بیکاران و علیه بیکاری سازمان داد. باید از نمونه های موفق کشورهایی، از جمله آرژانتین که قبلاً بطور مفصل در نشریه "کارگر کمونیست" در باره آن نوشته ام، که اعتراضات بیکاران موفق بوده، استفاده کرد.

در این یادداشت کوتاه قصد کم ارزش کردن طومار نوشتن و اعتراض را به این شیوه جلو بردن نیست؛ منتها وضعیت امروز به کارگران اجازه مانور و مبارزه رادیکال را هم

واحدهای تولیدی و صنعتی، بخش های دامداری و کشاورزی پاکدشت به کار اشتغال دارند و اداره کار و نیروی انتظامی با تمامی کارگران افغان برخورد نکرده است.

عوض سلطانی، در گفت و گو با خبرنگار گروه کارگری ایلنا، افزود: با وجود تلاش مسوولان اداره کار و نیروی انتظامی در برخورد با اشتغال اتباع بیگانه در داخل کشور، هنوز

میدهد. نمونه های کارگران شرکت واحد، کارگران نیشکر هفت تپه، کارگران نساجیهای شاهو و کردستان، کارگران پتروشیمی ها، کارگران پارسیلون لرستان و صدها مورد دیگر، از نمونه های برجسته مبارزات رادیکال کارگران است. باید این نمونه ها را سرلوحه مبارزات خودمان علیه اجحافات جمهوری اسلامی قرار بدهیم.*

تمامی بخش های تولیدی و صنعتی پاکدشت از کارگران افغان پاکسازی نشده و دست کم ۱۰۰ هزار کارگر افغان هنوز مشغول به کار هستند.

وی گفت: در بسیاری از واحدها کارگران افغان حضور فعال داشته و این افراد بخش اعظمی از نیروی کار کارخانجات و واحدها را تشکیل می دهند.

خانه کارگر "جمهوری اسلامی لانه فاشیسم تمام عیار

این نهاد یعنی "ایلنا" منعکس شده است. برای هر کارگری همین سیاست و همین خصومت که در خبر زیر موج میزند برای انزجار از این دستگاه ضد کارگری و از خبرگزاری باید کافی باشد. کارگران افغانستانی جزئی از طبقه کارگرنده و قربانی همان نظام و

خانه کارگر جمهوری اسلامی از ابتدا شکل گیریش بالا و پایین زیاد داشته است اما يك خطر را همیشه با استحکام دنبال کرده است و آن خصومت عمیق با کارگران افغانی است. نمونه ها در این زمینه فراوانند. خبر زیر روز ۱۲ تیر در سایت کارگری

در شماره های قبلی کارگر کمونیست بحثی از جانب ناصر اصغری مطرح شد در مورد اینکه چرا کارگران برای آزادی رهبران دستگیر شده اعتصابشان با همان اتحاد و قدرت اولیه وارد میدان نمیشوند (کارگر کمونیست شماره ۶۰ "یک نقطه ضعف عمده جنبش کارگری در این دوره"). در حول و حوش این بحث یاشار سهندی ملاحظات را مطرح کرد که به همراه نوشته دیگری از ناصر اصغری در شماره ۶۱ کارگر کمونیست چاپ شد و در این شماره نیز دو نوشته در این رابطه به دستمان رسیده یکی از "منصور ترکاشوند" و نوشته ای نیز از "حبیب بکتاش" دریافت کرده ایم که ملاحظه میکنید. همینجا تاکید کنم که کارگر کمونیست از طرح ملاحظات و نقدهای هر کدام از خوانندگان در مورد تمام مباحث طرح شده در این نشریه به گرمی استقبال میکند و از همه خوانندگان دعوت میکند که در مورد مقالات و نظرات مطرح شده در این نشریه نظرات و ملاحظات و سوالات خود را برای ما ارسال کنند. با تشکر سر دبیر

برای آزادی رهبران دستگیر شده و ادامه یک مبارزه چه باید کرد؟

در باره بحث رفیق ناصر اصغری

حبیب بکتاش

کمبود علنیت، غیرمنظم بودن اعتراضات و تشکلهای تأکید نالازم و نابجا بر صنفی بودن مبارزات از طرف رهبران اعتراضی معلمان و کارگران واحد این سؤال مشخص را در مورد دستگیری و زندانی شدن رهبران اعتراضی مطرح میکند که آیا حساسیت و طرح نقشه فکر شده و از پیش برای برخورد به مشکل وجود دارد؟ ایشان در ادامه به اهمیت حمایت و پشتیبانی از رهبران اعتراضی و تشکلهای اشاره میکند و یک نمونه موفق آثرا مبارزات کارگران نساجیهای شاهر و کردستان سنجند و مبارزه "اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار" ذکر میکند.

یاشار سهندی ضمن موافقت با خطوط کلی بحث ناصر اصغری تأکیدات و تحلیلهای و راهلهای بعضا متفاوت و جدیدی را مورد بررسی قرار میدهد. او ضمن تأکید بر اهمیت تشکل و مجمع عمومی میگوید که در پروسه هر اعتصاب و اعتراضی مجمع عمومی بخودی خود تشکیل میشود و کارگران از نوعی تشکل و طرح و نقشه قبلی برخوردارند و حتی با هم "هم قسم" میشوند که اگر اتفاقی برای هر یک از فعالین بیافتد، پشتش باشند، ولی بعد از دستگیریها پیگیر مجمع عمومی نمیشوند و برای آزادی رهبران دستگیر شده و بازگشت بکار کارگران اخراج شده با قدرت لازم به میدان نمایند و میپرسد چرا؟ یاشار سهندی در ادامه به کشمکشهای درونی مبارزات کارگری اشاره میکند و اینکه مثلاً در مورد

اخیراً بحثی در مورد مشکل سرکوب، دستگیری و زندانی شدن کارگران و رهبران اعتراضات اجتماعی در گرفته است. ناصر اصغری با مقالهای تحت عنوان "یک نقطه ضعف عمده جنبش اعتراضی در این دوره" بحث را شروع کرده و یاشار سهندی از ایران بحث را طی مقاله ای بنام "مشکل کارگران چیست؟" دنبال کرده است. من هم خواستم مروری به این دو نوشته کرده و در ادامه نظرات خود را گفته باشم.

ناصر اصغری پس از یک اشاره کوتاه و جامع به رشد و اعتلای جنبش اعتراضی کارگران، دانشجویان، زنان و جوانان در دوره اخیر که علیرغم سرکوب خشن جمهوری اسلامی و دولت احمدی نژاد همچنان فوران میکند و پیش میرود، به مشکلات جلوی روی جنبش اعتراضی میپردازد و یک مشکل را عمده میکند؛ و آن اینکه چرا بخشهای مختلف جنبش اعتراضی برای آزادی رهبران دستگیر شده اعتراضات و اعتصابات با قدرت به میدان نمیایند. ناصر اصغری کارگران دستگیر شده و اخراجی شرکت واحد و رهبران اعتراضات و اعتصابات معلمان را نمونه میآورد که در پس تجمعات هزاران نفره کارگران واحد و معلمان، ما با اعتراضات پنجاه نفره و هفتاد نفره برای آزادی دستگیر شدهگان مواجه هستیم. ایشان ضمن اشاره به ضعفهای عمومی جنبشهای اعتراضی از جمله ضعف تشکل،

سر سهمیه بندی ناگهانی و احمقانه بنزین با نیروهای انتظامی را میبینی، تا بایستی و تحلیل بکنی که حق با کیست خود معرکه را از دست دادهای. نه من نمیایستم. برایم پیش آمده و به هر حال یاد دهم و یاد خوردهام، اما بی تفاوت نماندهام. خانه را به خیابان ترجیح ندادهام. جمهوری اسلامی با "گفتگوی تمدنها" به دنیا نیامد و با "گفتگوی تمدنها" نیز سرنگون نخواهد شد.

جنبش راه خودش را پیدا میکند. و اتفاقاً نقش حزب ما همین است. پیدا کردن راهی که جنبش کارگری و کل جنبش سرنگونی را به پیش ببرد. این قطعا رهبری ما را تضمین میکند. منظورم اینست که من نگران راه حلها نیستم، این پیدا شدنی است، و پیدا نیز میشود. اما برایم مهم است که ما آنها را پیدا کنیم. زیرا مهم است که حزب آزادی و برابری پیشرو کل حرکتها و اعتراضات باشد.

اماعتل توقف اعتصابات و اعتراضات چیست؟

بدون شك، سرکوب وحشیانه بزرگترین دلیل متوقف شدن و ادامه پیدا نکردن اعتراض و اعتصاب است. در ایران اوپاش اطلاعاتی به تمام روشهای سرکوب متوسل شده اند. از پلیس راهنمایی و رانندگی تا جرایم و گیر دانهای چپ و راستش، تا گارد ویژه ای سپاه پاسداران و لباس شخصیها و انواع اوپاش اطلاعاتی در این سرکوب نقش دارند، و با هم عمل میکنند. معلوم است آن بالا برای این

صفحه ۷

منصور ترکاشوند

اسلامی از آن تاکتیکها استفاده میکند و طبعاً بهره برداری از آن راه، زبینه مردم و جنبش کارگری نیست. پس برای ادامه اعتصاب و تعرض کارگران، باید راه حل همین جنبش را پیدا کرد، و این راه حل تازه خواهد بود. بنظرم دانشگاه و دانشجویان با تحرکات تازه و جابجایی مناسبتها به راههایی دست پیدا کرده اند. من نگران اینگونه راه پیدا کردنها نیستم. خاطرم هست که در ماجرای جنب و جوش "هخا" سخت ذهنم مشغول یافتن پاسخ سوال زیر شده بود: چگونه میتوان دلچکی مثل هخا را، که در ذهن بخشی از جریانات سیاسی و آدمهائی و به بهانه ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی جدی گرفته شده بود، همان کرد که بود؟

اما یکی از رفقا شعاری ساخت که در آن معرکه کار خودش را کرد. "سوسیالیسم بپاخیز برای رفع تبعیض" همان کاری را با هخا کرد، که شخصا به شدت دلمشغول شده بودم. بنظرم این شعار تازه و بکر بود، هیچ سنخیتی با گذشته نداشت. پته هخا و دلچ بازی راست را هم میزد. قرار نیست در مبارزه و نبرد طبقاتی جاری، از قبل لحظه به لحظه رویدادها را بدانیم و بدانیم که چه باید بکنیم، خیلی از لحظات "دو چرخه" باید بدون پا زدن، خودش برود. باید پتانسیل لازم موجود باشد. دخالت در این حوادث، تحلیل و از پیش دانستن نمیخواهد. در خیابان وقتی از درب پمپ بنزین رد میشوی و تصادفاً درگیری مردم بر

کارگران هم بخشی از مردم جامعاند. جنبش کارگری اگر چه وسیعترین جنبش اعتراضیست، ولی جزیره نیست، جنبشی در بطن همین جامعه است، از آن تأثیر میگیرد و بر آن تأثیر میگذارد. برای مثال، بدون شك اعتصاب کارگران شرکت واحد در چرخش چشم و گوش جامعه به چپ، تأثیر بسزایی داشت. نقطه ضعفی که رفیق ناصر اصغری طرح کرده است فقط مختص جنبش کارگری نیست، در کل حرکات اعتراضی جامعه کمابیش دیده میشود. کمی از دانشگاه چشم بپوشید، باقی تعرضات مردم همین نقطه ضعف را با خود دارد و از آن رنج میبرد. برای مثال جریان اعتراضات مردم در آذربایجان علاوه بر نقطه ضعفهای دیگر، همین مشکل و ضعف را داشت.

انقلاب ۵۷ دقیقاً در اثر پیدا کردن راه برای "ادامه" بارور شد، فکر میکنم، و تصور میکنم اینطوری بود. هر کس که در جریان تظاهرات جان میباخت، سوم و هفتم و چهلمش بهانه ادامه تظاهرات بیشتری میشد. هر اتفاقی که میافتاد "عواقبش" خود ماجرای دیگری میشد. اما جنب و جوش و تحرکات فعلی، شکل ادامه و تعرض خودش را از گذشته بعاریه نگرفته است، و دنبال پیدا کردن راه تازه میگردد. بدون شك یکی از گرهمهای کار همین است. به همان شکل و روش انقلاب ۵۷ نمیشود و کسی هم تمایل ندارد که با آن روشها ادامه بدهد، مضافاً اینکه خود جمهوری

برای آزادی رهبران... حبیب بکتاش - از صفحه ۴

زندان برای جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی ایران در پس قطعی شدن شکست دیکتاتوری شاه با تحمیل و توطئه بورژوازی غرب و با استفاده از رسانه‌های مثل BBC و حمایت جریان‌اتی مثل حزب توده سر کار آمد اما با کشتارهای خونین سالهای شصت خود را تثبیت کرد. احزاب و نیروهای انقلابی و رادیکال اما به تلاش خود برای دفع ارتجاع اسلامی ادامه دادند و در تمام طول حیات ننگین جمهوری اسلامی موجودیت آن را به چالش طلبیدند. جمهوری اسلامی حتی پس از تثبیت خونین خود بیشتر و بیشتر خود را در برابر نیروهای چپ و رادیکال و فرهنگ غربی و پیشرفته جوانان مواجه دید و ناچاراً با سیاست سرکوب و کشتار بعنوان یک رکن اساسی از موجودیتش، به حیات خود ادامه داد. علیرغم سرکوب و کشتار خونین جمهوری اسلامی و در بطن بن بست اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آن، نیروهای چپ و انقلابی رشد کردند و جنبش سرنگونی حوالی سال ۷۶ به صحنه آمد و ناقوس مرگ جمهوری اسلامی را به صدا درآورد. با رنگ باختن بیشتر دستگاه تحمیل و به میدان آمدن جوانان برای دفع فرهنگ و توحش ارتجاعی اسلامی، دستگاه سرکوب و دستگیری و زندان نقش مهمتری در سیاست جمهوری اسلامی بدست آورد ولی مبارزات پیشرو، رادیکال و انقلابی جوانان، کارگران و زنان هر روز بیشتر از پیش از برای شمشیر اسلام و سرمایه کاست و توازن قوای جدیدی به آن تحمیل کرد. حکومتی که در سالهای شصت جوانانی را که شلوار لوله تفنگی پوشیده بودند بغل دیوار میچید و بر سینه هایشان شلیک میکرد توان شلیک به سینه جوانان و کارگرانی را نیافت که علناً

کارگران واحد و معلمان رهبران آن مبارزه را صنفی و قانونی تعریف میکنند و سرکوب و دستگیری را به "عمل غیرقانونی عناصر خودسر" نسبت میدهند. اما ایشان به دو مشکل مشخص و بنظر من مهم تأکید میگذارند که به نوعی به هم مربوطند. یکی عدم دسترسی توده کارگر به تشکل و رهبران کارگری و دیگری کمبود پوشش خبری و رسانهای اعتراضات و تشکلهای اینک تشکلهای کارگری جا و مکان مشخصی ندارند که توده کارگر به مرور زمان آنرا بشناسد و ارتباط برقرار کند و اینکه بعضاً و یا اغلب کارگران حتی خبر ندارند که فلان زمان و مکان اعتراض و اعتصابی قرار است صورت بگیرد. یاشار سهندی هم از "اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار" بعنوان یک نمونه موفق یاد میبرد.

من هم با خطوط کلی بحث ناصر اصغری موافقم و مشخصاً به ضعف تشکل، کمبود علنیت، غیرمنظم بودن اعتراضات و تشکلهای تأکید لازم و نابجا بر صنفی و غیرسیاسی بودن مبارزات از طرف رهبران اعتراض معلمان و کارگران واحد تأکید میگذارم و فکر میکنم که این بحث مهم است و رهبران کارگری باید وارد آن بشوند. با نظر یاشار سهندی که در جریان هر اعتراض و اعتصابی کارگران از نوعی تشکل و مجمع عمومی برخوردار هستند موافقم، ولی تأکید میکنم که این تشکلهای و مجامع عمومی ضرورتاً ازبختگی لازم برخوردار نیستند. من فکر میکنم طی این بحثها راحل و نقشه عمل بهتری از آنچه که موجود هست بدست خواهد آمد و فعالین اجتماعی را دعوت میکنم در آن شرکت کنند.

جایگاه سرکوب، دستگیری و

در حیاط دانشگاهها، در خیابانها و در کارخانهها سرود انترناسیونال را به صدا درآوردند و پرچمهای سرخ "سوسیالیسم یا بربریت" را برافراشتند. اما از آنجائی که جمهوری اسلامی بدون سرکوب و دستگیری و زندان و شکنجه قابل تعریف نیست و وجود نخواهد داشت هنوز شمشیر کپک زده اسلام و سرمایه میچرخد و نیروهای نظامی و سرکوب رژیم در برابر هر اعتراض و اعتصابی به میدان میایند. روزی که دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی کاملاً و تماماً زمینگیر شود، از اسلام و سرمایه و جمهوری اسلامی هم خبری نخواهد بود و زمینگیر کردن دستگاه سرکوب و دستگیری و زندان جمهوری اسلامی یک ضرورت هر پیشروی اساسی و بطریق اولاً سرنگونی جمهوری اسلامی هست. اگر چه تا جمهوری اسلامی هست، سرکوب و دستگیری و زندان هم خواهد بود، اما تا همینجا کارگران، جوانان، دانشجویان و زنان نشان داده اند که میشود این دستگاه کپک زده را کند کرد و به عقب راند. این آن نکته باریک و مهمی است که رهبران و فعالین اجتماعی و سیاسی باید متوجه آن باشند. ضمن تلاش برای زمینگیر کردن و نابود کردن دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی باید تلاش کرد میدان عمل آنرا محدود و محدودتر کرد. هر پیروزی کارگران و جوانان و زنان در جلوگیری از سرکوب و دستگیری و زندان و هر تحمیل آزادی رهبران و فعالین دستگیر شده جمهوری اسلامی را یک قدم به پرتگاه سقوط نزدیکتر میکند. این دینامیسم و این مبارزه را باید دید و بر اساس آن عمل کرد. جمهوری اسلامی تا هست سرکوب و دستگیری و زندان هم وجود خواهد داشت؛ این اما به این معنی نیست که دست روی دست بگذاریم و بگوئیم که تا سرنگونی جمهوری اسلامی کاری نمیشود کرد. اگر

چنین کنیم قبلاً شکست را پذیرفته‌ایم و جمهوری اسلامی هم سرنگون نخواهد شد. تلاش برای کند کردن و محدود کردن دستگاه سرکوب بخشی از زمینگیر کردن آن است و خوشبختانه تجربه‌های عینی و مشخص آنرا داریم. تجربه باشکوه کارگران نساجی شاهر و کردستان، دانشجویان دانشگاه مازندران و "اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار" نشان داده است که میشود دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی را کند کرد و عقب راند و رهبران و فعالین اجتماعی و سیاسی را از چنگال خونین جمهوری اسلامی نجات داد. کارگران و دانشجویان دخیل در این پیروزیهای باشکوه باید تجربه‌های نظری و عملی خود را به نگارش درآورند و در اختیار توده‌های درگیر در مبارزه و احزاب و نیروهای انقلابی و چپ قرار دهند تا با تکیه بر آنها راه پیشرویهایی بزرگتر بدست آید. چه فاکتورهایی در پیروزی این سه مبارزه نقش اساسی بازی کردند و چگونه میشود این فاکتورها را در مبارزات آینده بکار بست و ارتقاعشان داد و چه فاکتورهایی جدیدی مبارزات اجتماعی را سریعتر و قطعی تر به پیروزی میرسانند را در ادامه این نوشته دنبال میکنیم. قبل از ذکر و توضیح فاکتورهای دخیل در پیروزی نمونه‌های ذکر شده، لازم میدانم بگویم که این بخش از نوشته را مدیون بحثهای متعدد شهلا دانشفر، بحث علنیت و تعیین بخشی اجتماعی حمید تقوایی و بخصوص رساله "اعتصاب مدرسه انقلاب" از اصغر کریمی هستم. همچنین مصاحبه‌ای از شهلا دانشفر با فاتح بهرامی در باره شورا و سندیکا و جنبشهای شورائی و سندیکائی یک بحث راهگشا در بحث حاضر است. فاکتورهای اساسی که به ذهن من میایند و در پیروزی مبارزات و اعتراضات دانشجویان شمال، کارگران نساجیها و اتحادیه سراسری

دخیل هستند و باید مورد توجه رهبران و فعالین اجتماعی قرار بگیرند بقرار زیر است:

۱- پافشاری بر آزادی رهبران دستگیر شده از موضع قدرت و حق بجایی

در هر سه مورد موفق مذکور رهبران اعتراضات و اعتصابات طی اطلاعاتیها و بیانیه‌های شفاف روشن ساختند که تا آزادی فعالین دستگیر شده از پای ننشینند و در عمل هم پای حرفشان ایستادند بیانکه ذره‌ای از اهداف مبارزه خود عقب بنشینند. من از جزئیات مبارزه دانشجویان شمال حضور ذهن ندارم و در بقیه این نوشته از کلمه "اتحادیه" برای ساده‌تر شدن و کوتاه‌تر شدن نوشته در باره کارگران نساجی شاهر و کردستان و "اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار" استفاده میکنم.

کارگران اتحادیه مبارزه برای بهبود زندگی خود و طبقه کارگر، حق تشکل و برپائی اول ماه مه را حق مسلم خود دانستند و بر آن پای فشردند. وقتی حتی چند صد نفر کارگر مصمم و متحد مثل یک تن واحد اعلام میکنند که عقب نخواهند نشست دولت را در مقابل یک تصمیم و وضعیت داده شده و یک دو راهی قرار میدهند. دولت مجبور میشود یا فشار و سرکوب را ادامه و افزایش بدهد و یا ناچار تسلیم خواست کارگران گردد. از آنجائی که سرکوب تمام عیار برای دولت ساده نیست و از طرف دیگر ادامه مبارزه از طرف کارگران تعداد زیادتری از اقصاء مختلف مردم را به میدان مبارزه میآورد و مبارزات را رادیکالیزه میکند، دولت ناچاراً عقب مینشیند.

۲- پافشاری بر رادیکالیسم و اهداف مبارزه

در نمونه‌های موفق مبارزه برای آزادی دستگیر شده‌گان رادیکالیسم و سازش ناپذیری کارگران کاملاً مشهود بود. در هیچ یک از سه مورد

پیش بسوی تشکیل شوراها!

زنده باد شورا!

برای آزادی رهبران... حبیب بکتاب - از صفحه ۵

موفق مورد بحث رهبران اعتراضات

و توده دخیل در مبارزه، ذره ای از خواستهای خود عقب نشستند و مبارزات خود را صنفی و غیرسیاسی توصیف نکردند. وقتی رهبران و فعالین اعتراضات از در صنفی و غیرسیاسی بودن وارد میشوند به پای خود تیر میزنند و پرچم شکست را قبل از شروع مبارزه بلند میکنند. این واقعیت بر هر دو طرف دولت و کارگران معلوم و مشخص است که مبارزه برای آزادی دستگیر شده‌گان یک مبارزه کاملاً سیاسیست. اگر در پی هر مبارزه‌ای رهبران و توده دخیل در مبارزه دولت را مجبور کنند که سریعاً دستگیر شده‌گان را آزاد کنند، مبارزات بسرعت رشد و گسترش و تعمیق مییابند و تمام موجودیت دولت را زیر سؤال میبرند.

۳- تکیه بر مجمع عمومی و دخالت مستقیم توده دخیل در مبارزات در تصمیم‌گیریها

مجمع عمومی و تصمیم‌گیری جمعی برنده‌ترین و قویترین سلاح کارگران است. مجمع عمومی ضمن ارتقاء آگاهی و آموزش کارگران و اعتماد به نفس آنها بزرگترین عامل اتحاد و همبستگی توده‌های مبارز است. وقتی کارگران آگاهانه و با آزادی کامل اهداف مبارزه را تعیین میکنند و همگام و همزمان با رهبران خود آنها را پیش میبرند، در برابر هجوم دولت به مبارزه خود هم مصمم‌تر و امیاستند. وقتی دولت در برابر تصمیمها و قطعنامه‌هایی قرار

میگیرد که نه از طریق چند رهبر کارگری، بلکه از طریق کل توده چند صد نفره یا چند هزار نفره کارگران اتخاذ شده‌اند مقابله با آن برایش مشکلتر میشود. ایزوله کردن چند رهبر کارگری که به توده کارگر متکی نیستند و تصمیمشان در اتفاقاتی چند نفره گرفته میشود برای

با تسلط تئوریک بر امر مبارزه طبقاتی و تجربه پراتیک در این زمینه با دسترسی احزاب رادیکال به صدها و هزاران عضو و فعال اجتماعی و امکانات رسانه‌ای و خبررسانی و سازماندهی حزب یک فاکتور اساسی در پیشبرد مبارزه اجتماعیست. نکته دیگر اینکه وقتی دولت رابطه تنگاتنگ بین رهبران و فعالین اعتراضی و حزب رادیکال را میبیند، برای جلوگیری از رشد و مطرح شدن حزب هم که شده مجبور میشود هر چه زودتر به امر مبارزه اجتماعی مطرح خاتمه دهد. این خاتمه دادن میتواند بنابه تناسب قوای سیاسی سرکوب خشن و شدید باشد و یا تسلیم در برابر خواست کارگران و مبارزه اجتماعی. در شرایط فعلی ایران، از آنجائی که دستهای جمهوری اسلامی برای یک تعرض همه جانبه و شدید علیه فعالین اجتماعی و سیاسی چندان باز نیست، همانطور که تجربه دانشجویان مازندران، کارگران نساجیها و اتحادیه نشان داده است، اغلب ناگزیر از عقب نشینی شده و تسلیم میشود.

حزب رادیکال اجتماعی علاوه بر نقش خود در هدایت مبارزه اجتماعی و سیاسی در صحنه داخلی، با ارتباطات گسترده‌ای که با مجامع کارگری و پیشرو در کشورهای دیگر دارد، رهبران اعتراض را در سرتاسر جهان میشناساند و برایشان پشتیبانی روانی، مادی و امنیتی جلب میکند. همچنین حزب رادیکال مبارزه کارگران را به مبارزات بخشهای دیگر جامعه از قبیل مبارزات دانشجویان، زنان، جوانان، پناهندگان، مبارزات ضد مذهبی و ضداسلامی و تمام جبهه‌های دیگر مبارزه‌ای که حزب رادیکال در آن درگیر است، مربوط میکند.

یک حزب رادیکال پرچم ماکزیمالیسم و یک دنیای انسانی و سوسیالیستی را در برابر توده‌های

مبارز، در برابر کل جهان به اهتزاز در میاورد و جایگاه هر مبارزه مشخص و معین را در بطن مبارزه طبقاتی و سوسیالیستی مشخص میکند.

۶- تعیین‌یابی و علنیت رهبران و فعالین اعتراضی
رهبران و فعالین مبارزات اجتماعی و سیاسی برای دولت و دستگاه سرکوب آن شناخته شده هستند. چه در کارخانه‌ها، چه در دانشگاه‌ها و چه در محلات دولت دقیقاً میدانند چه کسانی سرو صدا میکنند و مبارزات اجتماعی را سازمان میدهند. در صورت مخفی ماندن چهره‌های فعال اجتماعی دولت راحتتر میتواند آنها را ایزوله کند، تهدید کند و دستگیر کند. شناخته شدن و علنیت رهبران و فعالین اجتماعی حربه تهدید و دستگیری را برای دولت مشکل میکند. کسانی که با عکس و آدرس و سایت و نشریه خود رو به جامعه و رويه توده‌های وسیع کارگران صحبت میکنند و تصمیماتشان را در تجمعات وسیع با شرکت توده‌های دخیل در مبارزه میگیرند در سایه سپر و حمایت توده‌های وسیع جامعه راحتتر و امن‌تر به تلاش و فعالیت خود ادامه میدهند. اکنون برای جمهوری اسلامی دستگیری و سرکوب افرادی مثل شیت امانی، صدیق کریمی، خالد سواری و جعفر عظیمزاده امر ساده‌ای نیست به این خاطر که این رهبران کارگران دیگر افراد ناشناخته‌ای نیستند. علاوه بر حمایت اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار، حمایت سایر بخشهای کارگری در سنجند و سایر شهرهای ایران، حمایت مجامع بین‌المللی کارگری و حمایت حزب کمونیست کارگری را نیز پشت سر خود دارند. جمهوری اسلامی میداند که با دستگیری این رهبران اجتماعی یک نیروی عظیم داخلی و بین‌المللی را در برابر خود خواهد داشت.

وقتی با توجه به فاکتورهای ذکر شده به مبارزات کارگران واحد و معلمان نگاه میکنیم، علل ناپیگیری مبارزات و میشود گفت ناکامی آنها را در آزاد کردن رهبران خود از زندانهای جمهوری اسلامی مشخص میشود. بنظر من علیرغم رادیکالیسم توده کارگران واحد و معلمان رهبری این مبارزات از تسلط سندیکالیسم و سازشکاری رنج میبرد. بارها از زبان سخنگویان معلمان و کارگران واحد شنیده‌ایم که اعتراضات آنها صنفی و غیرسیاسیست. همین یک موضع برای شکست اعتراضات کافی بود. در کنار آن عدم اتکاء رهبران معلمان و کارگران واحد به مجمع عمومی، عدم بمیدان آمدن خانواده‌های کارگران و معلمان و دانش آموزان را بگذارد تا علل عدم موفقیت روشنتر شود. علاوه بر اینها در مورد مبارزات معلمان ضعف تشکل و ضعف ابراز وجود علنی رهبران اعتراضی هم به عدم موفقیت مبارزه آنان کمک میکند. تصور کنید که کارگران واحد و بخصوص معلمان با آمار میلیونی آنها خطی رادیکال و علنی را پیش میبردند و بر مجمع عمومی توده‌های وسیع تکیه میکردند. اگر کارگران واحد و معلمان تاکتیکها و استراتژیهای اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار را به کار میبستند، جمهوری اسلامی قدرت دستگیری و زندانی کردن یک نفرشان را هم نمییافت. تسلط سندیکالیسم و خط سازش و مماشات را میتوان در مصاحبه‌ها و موضعگیریهای اخیر منصور اسانلو، رئیس هیئت دبیره سندیکای کارگران واحد، به روشنی مشاهده کرد. وی در مصاحبه‌اش با تلویزیون برابری با آقای یوسف آبخون علنا و آشکارا خانه کارگر و شورهای اسلامی کار را تشکلهای کارگری میبخواند و خواستار تفاهم و همکاری با آنان

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

برای آزادی رهبران...

منصور ترکاشوند

از صفحه ۴

ملاحظه‌کار و محافظه‌کار بشود. بترسد و همان بشود که آقایان احمدی‌نژاد و شریعتمداری و اوباش جنایتکار مشابهنشان می‌خواهند و برای رسیدن به آن، هزاران جلسه گذاشته‌اند.

به نظرم باید علل این "گره" را رسوا کرد. باید علت بروز این "گره" را به پای مسببش نوشت. اینطور نیست که ترتیب‌دهندگان اعتصاب به فکر ادامه نداشتند، یا سرکوبی خشن و بیرحمانه نمی‌گذاشتند اعتصاب و اعتراض ادامه پیدا بکند. باید این را خنثی کرد. ضمن رسوایی عامل اصلی، باید راه ادامه را نیز تغییر داد. نمیشود با همان

همانگیها جلسات متعددی برگزار شده و میشود. لباس شخصیها کاملاً خط‌دار برخورد میکنند و آشکارا تمام اطلاعات را دارند، چیزی شبیه همان فاشیستهای "اس" اند. میدانند که این شخصی که در خیابان راه میرود اسمش کیست و در کجاست و چه کار میکند. برای مرعوب کردنش از تیغ موکت بری و پنجه بکس و چاقو و مشت و لگد استفاده میکنند، تنها هم نیستند، چندین ماشین با بیسیم و سلاح حمایتشان میکنند. میزنند که طرف تو دلش خالی بشود، بترسد و خانه نشین بشود. بترسد و

خواسته‌های فوری معلمان

از صفحه ۱

قادر به تامین حد اقلهای يك زندگي در خورشان انسانهای هزاره سوم نیستند.

از سوی دیگر محتوای آموزشی مبتنی بر ایدئولوژی حاکم و مدیریت مستبدانه بر ساختار آموزشی نیز بزرگترین مانع رشد و تعالی معلمان و دانش‌آموزان ایرانی است. این ساختار از دخالت معلمان و متخصصین در روند آموزش و مدیریت نظام آموزشی کشور به شدت جلوگیری نموده و از هرگونه خلاقیت و نوآوری علمی در روند آموزش ممانعت به عمل می‌آورد.

نتیجه طبیعی چنین ساختاری، رویگردانی دانش‌آموزان از ادامه تحصیل و افزایش آسیب‌های اجتماعی فراوانی است. آمارهای موجود از ترك تحصیل دانش‌آموزان موید این ادعاست.

معلمان در ایران نیز مانند سایر مزدبگیران از داشتن تشکلهای مستقل از دولت محروم هستند. حق تشکل که از طبیعی‌ترین حقوق يك جامعه متعارف است، از سوی

اما این اعتراضات مطابق معمول از سوی حکومت اسلامی با ضرب و شتم، دستگیری، اخراج و تعلیق آموزگاران پاسخ گرفت. در حال حاضر دهها معلم به دلیل شرکت در اعتراضات از کار برکنار شده‌اند و تعداد دیگری نیز در انتظار دریافت احکام اخراج هستند. این نه اولین و نه آخرین بار است که این اتفاق می‌افتد.

طی چند ساله اخیر معلمان، با شرکت در اعتراضات منطقه‌ای و سراسری همواره ناخشنودی خود را از وضعیت معیشتی و آموزشی و سیستم آموزش و پرورش اعلام نموده‌اند، اما هر بار حاکمیت با سرکوب و دستگیری و اخراج فعالین به این اعتراضات پاسخ داده است.

در جامعه‌ای که فاصله نجومی میان فقر و ثروت، حتی دست اندرکاران حکومت را نیز به وحشت انداخته، آموزگاران و سایر مزد بگیران تنها با مشاغل دوم و سوم، و اضافه کاریهای وحشتناک قادر به گذران زندگی هستند. با این وجود

روش که شروع کردی، ادامه بدهی. "تازگی ادامه" یکی از ویژه گیهای لازم برای ادامه اعتصاب و اعتراض است. این را کل جنبش اعتراضی نشان داده است. دانشجویان روزهای معینی مثل شانزده آذر را پس و پیش میکنند، تا نتیجه جلسات و آرایش و آمادگی نیروهای سرکوبگر را به هم بریزند. باید انتظار داشت که ۱۸ تیر را هم پس و پیش بکنند، همانروز برگذار نکنند. تغییر میدهند و اشکال تازه میسازند تا نیروهای سرکوب را جا بگذارند؛ سرکوبگران قطعاً خود همان روز ۱۸ تیر آمادگی کامل دارند، اما با اجرای زودتر ۱۸ تیر غافلگیر میشوند و یا با اجرای دیرتر آنجا میمانند. و یا با هماهنگی و اجرای هم زمان هیچده تیر در کلیه ی

دولت به رسمیت شناخته نمیشود و هر گونه تلاش برای ایجاد تشکل های مستقل، با دستگیری و اخراج فعالین پاسخ میگردد. با وجود همه این فشارها برای جلوگیری از این امر، آموزگاران تاکنون توانسته‌اند تشکلهایی را به حکومت تحمیل نمایند.

اما ما معلمان به این شرایط تسلیم نمیشویم و به مبارزه خود برای بهبود شرایط زندگی و تحقق سایر خواسته هایمان ادامه خواهیم داد.

ما امضا کنندگان این بیانیه، از همه تشکلهای معلمان و کارگران، سازمانهای بین‌المللی مرتبط و بشریت متمدن در سراسر جهان می‌خواهیم که ما را در دست یافتن به خواست‌های زیر، که زمینه ساز ایجاد يك زندگي انسانی برای معلمان ایران است یاری نمایند و با ارسال نامه‌های اعتراضی ما را در اعتراضاتمان مورد حمایت و پشتیبانی قرار دهند.

۱- لغو احکام انفصال از خدمت و تهدید معلمان و بازگشت به کار ۳۹ معلم معترض اخراجی از کار

دانشگاهها دیگر توانایی سر کوب را از دست خواهند داد.

اسانلو يك نمونه است. آنقدر زدنش و آنقدر در زندان و خیابان رعب و وحشت برای خودش و خانواده اش ایجاد کردند که اول مدتی ساکت شد و عاقبت "تمام" شد. به نظر من اسانلو در سفری که به خارج داشت "تمام" شد. هیچکسی که این توهمن را با خود حمل بکند در سطح رهبری جنبش کارگری نمیماند، سقوط خواهد کرد، تمام خواهد شد و اسانلو شد. هدف رژیم هم همین است. اما تصور جانیان اسلامی و استراتژیستهای آنها اینست که با زدن رهبران جنبشهای اعتراضی و سرنگونی و کارگری، کل این جنبشها را زده‌اند. این تصور در سی

۲- از بین بردن پرونده های ۲۸۶ معلمی که در جریان اعتراضات چند ماهه اخیر بازداشت شده و با قید وثیقه و یا کفالت و غیره موقتاً آزاد شده و پرونده آنها همچنان در جریان است و قرار است به دادگاه و محاکمه احضار شوند.

۲- افزایش حقوق معلمان متناسب با يك زندگي انسانی در شرائط حاضر که این رقم بدون شك ده برابر سطح حداقل دستمزد اعلام شده از

خرداد شصت کار خودش را کرد ولی امروز تصور باطلیست. خرداد هشتاد و شش، خرداد شصت نشد و بدان برنگشت و بر نمیگردد. با همان روشهایی که خرداد شصت را آفریدند نمیتوانند امروز جان سالم بدر ببرند، نمیتوانند مردم و بخصوص کارگران را پس بزنند. کارگران واحد باید راه تازه‌ای برای رسیدن به اهداف خود برگزینند، باید رهبران تازه‌ای انتخاب کنند. شك ندارم همین کار را هم خواهند کرد.

جنبش کارگری نیز باید در "تازگی روشهای ادامه" در شکل و در محتوای، این سرکوب خشن و جنایتکارانه را دور بزنند...

سوی دولت یعنی ۱۸۰ هزار تومان است.
۳- آزادی بی قید و شرط تشکل و اعتصاب.

۴- امنیت شغلی و استخدام رسمی کلیه معلمان قراردادی (حق التدریس).

۵- تهیه محتوای آموزشی غیر ایدئولوژیک و علمی متناسب با پیشرفت علوم. *

سایت روزنه

www.rowzane.com

یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری
را بخوانید

کارگر کمونیست را تکثیر کنید و آنرا بدست
دوستان و آشنایان برسانید!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

منصور اسانلو کدام ...

از صفحه ۱

بگوید؟ اینکه جمهوری اسلامی نه فقط نتوانست او را در زندان نگه دارد بلکه جلوی او را نگرفت که به خارج کشور سفر کند و در کنفرانسهای کارگری شرکت کند؟ بله همه اینها برای کارگران غرور آفرین است. زیرا این آزادی را اسانلو مدیون مبارزه رادیکال کارگران و سازمانهای کارگری در ایران و در سطح بین المللی است. این آزادی را اسانلو مدیون مبارزه کارگران علیه حکومت ضد کارگری جمهوری اسلامی و افشای کل قوانین آنست. اسانلو با عفو ملوکانه خلیفه اسلامی آزاد نشده است. او را کارگران و سازمانهای چپ و کارگری با مبارزه آزاد کردند. اما برای کارگری که به سخنان اسانلو در خارج کشور در این روزها گوش کرده باشد قاعدتا بازگشت او چندان غرور آفرین نیست. زیرا اسانلو متأسفانه طوری سخن میگوید که انگار تصمیم گرفته است زیراب همان مبارزه و اعتراض رادیکال و گسترده کارگری را بزند. کسانی که پای صحبت او نشستند انتظار داشتند که اسانلو ادامه آن مبارزه و ان رادیکالیسم باشد. اما او آنها را دلزد کرد. شنوندگان سخنرانی اسانلو او را نماینده و سخنگوی جنبشی دیگر، جنبشی آشنا، جنبشی فرونشسته و در حال موت دیدند. و این جای افسوس دارد تا افتخار. او آمده بود که از قانون اساسی جمهوری اسلامی در برابر بی قانونی دفاع کند. او همه را یاد خاتمی و چهره های دوم خردادی حکومت در حدود ده سال پیش انداخت. او یاد آور کسی بود که در پنج شش سال گذشته تحولات و افت و خیزهای جامعه و شکست دوم خرداد و رشد رادیکالیسم و به محاق رفتن دوم خردادها و شیرین عبادی ها و امثالهم را ندیده است. گویی کسی از غار کف بیرون آمده است و با هیبت و سرو وضعی قدیمی و از دور خارج شده، با واحدها و

معیارهایی فراموش شده، و با زبانی غیر زمینی دارد با حرارت حرف میزند. او آمده بود که بطور تلویحی بگوید در ایران کارگران قانونا حق تشکیل اتحادیه دارند. قانون اساسی جمهوری اسلامی حق تشکیل سندیکا را برای کارگران برسمیت می شناسد و اگر عمل نمیشود مقصر خودسری و اعمال خارج از قانون است. او در کنفرانس ای تی اف گفت "سندیکای کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه (شرکت واحد) بر اساس ماده ۲۶ قانون اساسی ایران يك اتحادیه مشروع و بر حق است. سندیکای ما در خرداد ماه ۱۳۸۴ مجدداً بازگشایی شد. جمهوری اسلامی ایران بنا بر قوانین موجود داخلی و بر پایه تفاهم نامه مورخ ۱۳۸۲/۷/۱۳ برای تعویق فصل ششم قانون کار در مطابقت آن با مقاوله نامه ۸۹-۸۷ آی ال او حق تشکیل سندیکا و بازگشایی سندیکاهای قدیمی را به رسمیت شناخت." این یعنی اگر کسانی میگویند قانون اساسی جمهوری اسلامی حق تشکّل را برای کارگران برسمیت نمیشناسد دروغ میگویند. اگر کسانی با استناد به همان قوانین میگویند به بیان قانون اساسی "احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده" به این مشروط است که "اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازن اسلامی و اساس جمهور اسلامی را نقض نکنند" دروغ میگویند. او در مصاحبه تلویزیونی با صدای آمریکا از "سعه صدر رهبران جمهوری اسلامی" سخن گفت. اسانلو بهیچ وجه حرف کارگران رادیکال و بجان آمده ایران را که هیچ، حرف هیچ بخشی از مردم را منعکس نکرد که امیدی به هیچ چیز جمهوری اسلامی و از جمله قانون اساسیش ندارند و

دارند با چنگ و دندان با آن مبارزه میکنند. انتظار کارگران و مردم از اسانلو این بود که حداقل اکنون که کل این قانونگرایی دوم خردادی که خاتمی پرچمدارش بود، به زیاله دان ریخته شده است، او سخنگوی کارگران باشد نه مدافع قانون اساسی جمهوری اسلامی. اسانلو بعنوان نماینده و سخنگوی کارگران ایران سخن نگفت. او سخنگوی سندیکا بود اما نه سندیکای امروزی کارگران شرکت واحد که با جدال و مبارزه و کشاکش يك جبهه وسیع و رادیکال کارگری با حکومت اسلامی سرپا مانده است و برای همه کارگران ارزشمند است، بلکه او بعنوان سخنگوی سندیکایی شبیه شوراهای اسلامی و خانه کارگر که فقط مجوز دولتی را به او نداده اند سخن گفت. حرف او این بود که این سندیکا مشروع است. برطبق ماده ۲۶ قانون اساسی تشکّل شده است. کمک کنید که جمهوری اسلامی مجوزش را هم بدهد. کارگران چیزی جز آنچه در اصل چهل و چندم قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده را نمیخواهند. اسانلو حتی اکراه داشت از کارگران سخن بگوید. از مبارزه و اعتراض کارگران در ایران حتی اعتصاب کارگران شرکت واحد کمتر سخن گفت. از کمپین بین المللی گسترده و رادیکال علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی اسانلو سخن نگفت. او گویی آمده بود که به کارگران و مردم دنیا بگوید برخلاف آنچه کارگران میگویند در ایران حق تشکّل وجود دارد اما عوامل خودسر اجازه نمیدهند عمل شود. اسانلو خود خوب میدانند که این حقیقت ندارد و خود او قربانی همین قوانین و ارگانها و سران و دادگاههای قانونی جمهوری اسلامی است که اکنون حکم پنج سال زندانش را هم قبل از خروج از ایران گویا صادر کرده اند.

میتوان محظورات و محدودیتهای اسانلو را که میخواهد به ایران تحت حکومت اسلامی برگردد فهمید. اما اسانلو نمیتواند به بهانه یا به دلیل این محظورات

منادی آشتی مردم و کارگران با قوانین جمهوری اسلامی باشد. او اگر آمده بود که چیزی از مبارزه و جنبش کارگری برای احقاق حقوق پامال شده شان نگوید، دیگر آمدنش و سخن گفتنش برای کارگران جای افتخار و غرور و سربلندی نیست. سخن از برسمیت شناختن حق تشکّل (البته اسانلو این واژه "تشکّل" را هم ظاهراً دوست ندارد و فقط يك نوع تشکّل آنهم سندیکا را می شناسد) در قوانین جمهوری اسلامی، سخن از سعه صدر سران جمهوری اسلامی را ما حتی از سخنگویان دوم خرداد و از شیرین عبادی هم اینگونه شور و بی قید و شرط نشنیده بودیم. با این حساب برخلاف اطلاعاتی سندیکای شرکت واحد، برای کارگران ایران و برای کارگران شرکت واحد بازگشت اسانلو از سفر خارج قاعدتا نباید چندان غرور آفرین باشد. حتی فعالین رادیکال خود سندیکای شرکت واحد از آنچه اسانلو گفت قاعدتا بهیچوجه احساس غرور نمیکنند.

حرفهای اسانلو البته تازه نداشت. او وقتی چند ماه پیش پس از آزادی از زندان دهان باز کرد این را نشان داد که متأسفانه همان اسانلوی قدیم است و نه از زندان و نه از مبارزه رادیکال کارگران شرکت واحد و نه از حمایتهای وسیع و رادیکال کارگری و نه از اوضاع پرتحول جامعه درسی نگرفته است. او در سال ۸۴ از جانب سندیکای شرکت واحد میگفت "میخواهیم از کیان مملکت خویش دفاع کنیم" و این بار اولین حرفش در مورد "وحدت ملی" و "وفاق ملی" برای حل بحرانهای اجتماعی و "تنشهای اجتماعی" بود. این زبان برای همه کارگران آشناست. "تنشهای اجتماعی" زبان و واژه جناحهای جمهوری اسلامی برای مبارزات و اعتراضات کارگران و مردم است. اسانلو در يك مصاحبه حتی عامل وریشه فقر و فلاکت و بی خانمانی را نه نظام کثیف و ضد انسانی سرمایه داری و جمهوری اسلامی، بلکه در نبود سندیکا میدانند و در يك مصاحبه میگوید

"اصلی ترین مشکل کارگران ایران نداشتن سندیکاهای مستقل، اتحادیه و فدراسیون کارگری است که صدمه وحشتناک آنرا اکنون در مقابل چشم خود می بینیم. رشد آمار فقر، بی خانمانی، اعتیاد، قاچاق، دختران فراری و .. همه محصول همین مساله است و همینطور فاصله وحشتناک طبقاتی که در جامعه بوجود آمده است تا عده ای در وانهای شیر در شمال شهر و در آپارتمانهای که متری بیش از ۵ میلیون تومان است به خوشگذرانی مشغولند و در پایین شهر کم کم مثل هندوستان بعضی از مردم وقتی باران می آید باید به زیر ناودانها بروند."

اسانلو ظاهراً نمیدانند که در همان هندوستانی که بقول او "مردم باید زیر ناودانها بروند" اتحادیه و سندیکا به وفور وجود دارد، بزرگ و قدرتمند است و قانونی است اما فقر و شکاف طبقاتی بیداد میکند. اسانلو وقتی میخواهد "اتهام چپی بودن" را رد کند محکم و مستدل حرف میزند. اما خراب میکند. او میگوید "این اتهام من سندیکایی هستم. سندیکا در انگلستان هشتصد سال پیش شکل گرفت که اصلاً از چپ خبری نبود!" واقعاً آیا برای نشان دادن بی ربطی چپ و سوسیالیسم به تشکّل کارگری اینقدر تحریف مضحک تاریخ لازم است؟ آیا اسانلو نمیدانند که هشتصد سال پیش از چپ و سوسیالیسم خبری نبود، اما از کارگر و سندیکا هم مطلقاً خبری نبود؟ آیا نمیدانند که کار و تولید در انگلستان ۸۰۰ سال پیش روی دوش بردگان بود نه کارگران؟ آیا نمیدانند که کارگر و سندیکا و سوسیالیسم همه محصولات سرمایه داری هستند که عمرش فقط کمی بیش از دو قرن است؟

بهررو منصور اسانلو طی چند ماهی که از زندان آزاد شده زیاد سخن نگفته است. اما در مورد همان سخنانش زیاد میتوان سخن گفت و باید گفت. میتوان آن جنبش سیاسی و اجتماعی که او آنرا

قانون گرایی افراطی منصور اسانلودر جنبش کارگری



محمد مزرعه کار

صنفا و نه سیاسی تصمیم بگیرد با تشکیل مجمع عمومی با رای اکثریت کارگران اعتصاب کنند برای گرفتن دستمزد های عقب افتاده مثل ۵۰۰۰ کارگر نیشکر هفت تپه خوزستان، آیا این اعتصاب و اعتراض و مبارزه کارگران اساس استثمار، دزدی و خانه خرابی کارگران توسط سرمایه داران را در نظام جموری اسلامی نقض نمیکند و زیر پرسش نمی برد؟ مگر میتوان يك تشكّل کارگری در جهت منافع کارگران ساخت اما از تنها ابزار موثر و کارآمد یعنی اعتصاب استفاده نکرد؟ کارگران

صفحه ۱۰

زنگ خطری است که کارگر را در روز روشن جلوی چشمان حیرت زده ما، در مقابل کارگر دیگری قرار میدهد. فعالین کارگری همانقدر که دغدغه بی تشکلی را در سر دارند، باید به این خطر و زنگ خطر حساسیت ویژه ای نشان بدهند. نمونه های اینچنینی خوشبختانه زیاد نیستند اما يك موردش هم زیادی است. *

از صفحه ۸

منصور اسانلو کدام ...

بی افق ترو بی جان تر از این است که بتواند کارگران رادیکال و رزمنده و حق طلب ایران را به سمت خود بکشاند. یا اسانلو باید این جنبش را کنار بگذارد یا جنبش کارگری برای پیشروی از او بسرعت عبور خواهد کرد. در این هیچ تردیدی نباید داشت. *

(این مطلب قبلا در انترناسیونال ۱۹۷ به چاپ رسیده است)

اینکه... وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند." از منصور اسانلو باید پرسید که "وحدت ملی" چیست؟ موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی یعنی چه؟ آیا وحدت ملی یعنی همه مردم ساکن در ایران منافع مشترك دارند؟ آیا کارگران و سرمایه داران در ایران منافع مشترك دارند و هر کدام باید بکوشند این "وحدت ملی" که حافظ منافع هر دو گروه بزرگ اجتماعی به یکسان است را نقض نکنند؟ سرمایه داران که به لطف قوانین ضد کارگری انجمن به استثمار و حشیانه دست میزنند و حتی از پرداخت دستمزد کارگران خود داری میکنند تا جاییکه کارگر کف کار در منطقه شمال ایران بنام حسن حسنی دست به خود کشی با طناب دار میزند. با این جانوران اسلامی سرمایه در ایران چگونه میشود در "وحدت ملی" بود و کارگران در مبارزه طبقاتی با آنان نباشند؟ اگر يك تشكّل کارگری حتی

اخراج و دیپورت کند، دیگر امکان دیپورت و جلوگیری از مهاجرت کارگر متولد لنگرود به لوشان نیست. در این نمونه خاص دیگر حتی به نظر میرسد که خبر اعتراض بسیار نابجا و باید گفت عقب مانده چند نفر به اشتغال کارگران روستای دور و بر لوشان هم دارد دستمایه جمهوری اسلامی برای تفرقه بین کارگران قرار میگیرد. این وضعیت

نماینده می کند را به وضوح دید. این جنبش بهیچ وجه نه آرمان و خواست کارگران و نه جنبش رادیکال کارگری در ایران و نه حتی سندیکای شرکت واحد را نمایندگی نمیکند. و این جای تاسف است. اما با هیچ درجه تلاش و مایه گذاشتن نمیتوان کارگران ایران را با این جنبش آشتی داد. هم کارگران آگاهتر و رادیکال تر از این حرفها هستند و هم این جنبش

فشار چکمه ها و پوتین های نیروهای امنیتی و انتظامی قرار گرفتند، گرسنگی کشیدند و سراخ بیش از ۵۰ نفر از فعالین کارگری شرکت واحد از کار اخراج شدند که ثابت کنند سندیکای کارگران واحد به دلیل وجود اصل "طلایی" ماده ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ضد کارگر، مشروعیت و حقانیت دارد؟ برای روشن و شفاف شدن در مورد اصل ۲۶ قانون اساسی که شب و روز چون دعای کمال ورد زبان امثال منصور اسانلو و ابراهیم مددی و اعضای "هیات موسسان سندیکای کارگری" هم چون حسین اکبری میباشد درست است که نگاهی به آن بیاندازیم. جوهر و اساس اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی در این چند کلمه است: "...انجمن های سیاسی و صنفی ازادند، مشروط بر

اعتراض قرار گرفته است و غیره. این اعتراضات واقعی اند. بعضا کارگر حتی اگر به این و آن بهانه "بومی" و "غیربومی" و "خارجی" و غیره به این وضعیت اعتراض نکند، به "تنبلی" کارگر بغل دستی اعتراض میکند. در دنیای واقعی کارگر ظلم را میبیند، اما همیشه مناسبات ضدانسانی را به درست تشخیص نمیدهد. این دنیا وارونه است؛ باید روی قاعده اش گذاشته شود. این وضعیتی است که بورژوازی با هزار و یک نوکر و مزدور دانشگاه رفته عادی جلوه میدهد.

از آنجا که پیدا کردن کار و دست و پا کردن لقمه نانی در ایران جمهوری اسلامی دارد به يك هفت خوان رستم تبدیل میشود، يك چنین موقعیتی چندان عجیب نیست. اما بشدت زیان بار است. اگر رژیم میتواند به همین بهانه و با کمک پادوهای خانه کارگری و شوراهای اسلامی، کارگران موسوم به افغان را

وطرد و به حاشیه راندن گرایش سندیکالیستی. قانون گرایی افراطی یکی از مهمترین وظایف رهبران کارگری در این مقطع حساس کنونی برای ایجاد تشكّل مبارزاتی و طبقاتی یعنی تشكّل کارگری ازاد و مستقل است.

منصور اسانلو رییس هیات مدیره سندیکای کارگران اتوبوسرانی شرکت واحد پس از پایان نشست در اجلاس ای تی اف در لندن خرداد ۱۳۸۶ را رابطه با موجودیت تشكّل کارگری و نمایندگی و سخننگوی آن اعلام کرد: "...سندیکای کارگران شرکت واحد براساس ماده ۲۶ قانون اساسی ایران (جمهوری اسلامی) يك اتحادیه مشروع و برحق است...؟" آیا کارگران واحد چندین سال مبارزه کردند و زندان رفتند شکنجه جسمی - روانی شدن و خانواده هایشان زیر

یکی از موانع موجود در ایجاد تشكّل ازاد و مستقل کارگران از دولت، حضور خط رفرمیستی - دواخردادی در جنبش کارگری است. گرایش "قانون گرایی افراطی" تلاش دارد جنبش کارگری و مطالباتش را در چهار چوب قانون اساسی جمهوری اسلامی و توانایی طبقه سرمایه دار در ایران مهار و کنترل نماید. لذا خط اصلاح طلبان در طبقه کارگر با چشم دوختن به بالا یعنی سران جمهوری اسلامی و اصلاحات جنبش شکست خورده و به بن بست رسیده ۲ خرداد، می کوشد جنبش کارگری را در راه دستیابی به تشكّل طبقاتی ازاد و مستقل از دولت باز دارد و کارگران را در توهم و سراب و خوش خیالی و مشروعیت و حقانیت دادن به قوانین ضد کارگری رژیم اسلامی سرمایه در ایران مشغول نگاه دارد. افشا

تفرقه بین کارگران ...

از صفحه ۱

اخراج، بیکارسازی و قراردادی کردن بخش هر چه وسیع تری از کارگران کرد. این پروسه در عرض یکی دو دهه گذشته قرار بوده ۹۰ درصد از کارگران را در بر بگیرد. بر این وضع باید دستمزدهای بسیار پائین تر از خط فقر را هم افزود؛ باید به پرداخت نشدن همین دستمزدهای زیر خط فقر هم اشاره کرد. این وضع وضعیت معیشتی کارگران را تا حد ممکن پائین رانده است. در این بین اما اعتراضات کارگری يك دم از نفس نیافتاده اند. در بین این اعتراضات روزمره گاها شاهد اعتراض کسانی بودیم که سوراخ دعا را گم کرده اند. کم نبودند اعتراضاتی که کارگر "بومی" را در مقابل کارگر "غیربومی" دیده ایم؛ کارگر "خارجی" مورد اعتراض قرار گرفته است؛ کارگر زن به بهانه های اسلامی مورد

منعکس کرده اند. به احتمال زیاد کارگران بیکار شده و خانواده هایشان به بیکاری و این وضعیت اعتراض کرده اند. اما آنچه که اینجا حائز اهمیت است اینست که بالاخره کسانی به "غیربومی" بودن کارگران جدید اعتراض کرده اند یا نه؟ ما از چند و چون خبر اطلاع دقیقی نداریم. اما آنچه که به نظر میرسد این است که چند نفری و شاید هم همین چند نفر بیشتر از تعداد انگشتان يك دست نبوده باشند که در اعتراض به اخراج همکاران و هم طبقه ایهای خود، به حق جلوی در کارخانه اعتراض کرده اند، و به ناحق عامل آن را کسان دیگری خوانده اند. و ایراد کار همینجاست. جمهوری اسلامی درست از همان روزی که جای پای خود را به اندازه کافی محکم دید، شروع به

زنده باد جنبش مجمع عمومی!

قانون گرایی افراطی

از صفحه ۹

سوسیالیست. رادیکال جنبش کارگری بدرستی به یاد می آورند که همین قانون اساسی جمهوری اسلامی که حق اعتصاب و حق تشکل کارگری آزاد و مستقل از دولت را به هیچ وجه برسمیت نمی شناسد، چگونه بعد از کشتار کارگران اتحادیه بیکاران اصفهان باندیمشک، آبادان، شورا های کارگران و زحمت کشان در ترکمن صحرا و کردستان و صیادان بندر انزلی، با رای نمایندگان سرمایه در ایران مانند بهشتی، بنی صدر، بازرگان، ابراهیم یزدی، منتظری و احزابی چون حزب جمهوری اسلامی نهضت آزادی، حزب توده و جنبش مسلمانان مبارز حبیب الله پیمان به تصویب رساندند.

منصور اسانلو و گرایش سندیکالیستی تلاش میکند به هر طریقی که شده سندیکای کارگران واحد را به زور هم که شده وارد اصل ۲۶ ارتجاعی قانون اساسی جمهوری اسلامی بکند. غافل از اینکه اصل "طلایی" ۲۶ توسط نمایندگان اسلامی سرمایه انچنان ایندی شده که حتی امکان استفاده اصلاح طلبان ۲ خرداد هم از آن سلب شده است. در واقع اسانلو میخواهد

که مار ۷ خط است از ۱۳۷۶ با روی کار آمدن دولت محبوب گرایش سندیکالیستی تا کنون به مدت ۱۰ سال است که به ارزی خط رفرمیستی. توده ایستی در جنبش کارگری جواب منفی داده است. تازه گیرم که کلمه "سندیکای کارگران واحد" وارد قانون ارتجاع کار اسلامی که "حق اعتصاب" را قبول ندارد پذیرفته شود. در این صورت روشن است که دیگر ابزاری برای مبارزه کارگر نیست. بلکه ابزاری برای سازش و مماشات است. جالب این است که خود منصور اسانلو در همین پیام اختتامیه در اجلاس (ای.تی.اف) گفته که "...دولت ما تا بحال سندیکای ما را برسمیت نشناخته است..." علی رغم این همه قسم خوردن به قانون اساسی و بر حق جلوه دادن و مشروعیت دادن به قانون اساسی جمهوری اسلامی هنوز سندیکایی که با تلاش، فدا کاری، مبارزه و زندان رفتن کارگران در ابعاد ۱۰۰۰ نفر تشکیل شد هنوز مورد پذیرش سران جمهوری اسلامی نیست اما پیشاپیش منصور اسانلو دستاورد های اعتصاب دی ماه ۱۳۸۴ را با تعریف و تمجید کردن از اصل ۲۶ قانون اساسی، میخواهد بر باد دهد. رهبری سندیکای واحد با این مساله که نمایندگان مقام ولایت

سندیکالیست و سازشکار، جای خود را در جنبش چپ،

سوسیالیستی و انسانی کارگری پیدا

کند. همچنین و حتی مهمتر اینکه بدون ارتباط تنگاتنگ و اورگانیک با حزب رادیکال سوسیالیستی، با حزب کمونیست کارگری ایران، مبارزات طبقاتی کارگران ره بجائی نخواهد برد. حزب رادیکال و سوسیالیستی مثل حزب کمونیست کارگری ایران همانقدر برای جنبش طبقه کارگر ضروریست که سرانسان بر تن آن ضروریست.*

اسانلو و مددی، با وجود رهبران

فقیه با نیروهای امنیتی در مجمع عمومی حق شرکت را دارند چه میکند؟ آیا قرار است نمایندگان منتخب کارگران از فیلتر نماینده سرمایه داران طرفدار ولایت فقیه بگذرد؟

منصور اسانلو در این اجلاسیه جهانی که بهترین فرصت برای ابراز مطالبات کارگران و جنبشهای اعتراضی معلمان، دانشجویان و زنان بود هرگز با وجود امکانات و میدیای جهانی و رسانه ها و خبر گزاریهای دنیا به نفع کارگران استفاده نکرد. اما تا توانست از "سعه صدر" دولت "مهرورز" احمدی نژاد داد سخن راند. آیا این قهرمان اصلاح طلب در جنبش کارگران شرکت واحد نمیتوانست از مجامع جهانی و اتحادیه های کارگری جهان بخواد راجع به کشتار کارگران خاتون آباد کرمان روی جمهوری اسلامی فشار بیاورند و امران و قاتلین کشتار کارگران را به محکوم کنند؟ آیا منصور اسانلو نمی توانست به خود کشی کارگر کنف کار حسن حسنی که ۱۱ ماه دستمزد را نگرفته بود و در کمال یاس و نا امیدی اجبارا طناب دار را بر این زندگی و این همه شرمندگی انتخاب کرد، اشاره ای بکند؟ آیا نمیتوانست از آزادی محمود صالحی کارگر زندانی سیاسی در

نگاه کارگران ...

از صفحه ۱۳

کامل انسانی و قابل مقایسه و رقابت با کارفرما بداند و بر آن پافشاری کند و چنین اعتباری را با طرح مطالبه حق برگزاری مجمع عمومی هفتگی و منظم بر کارفرما تحمیل کند. همانطور که کارفرما و دارو دسته اش به طور منظم راجع به تصمیمات گرفته شده در جلسات قبل دور میزهای کنفرانس می نشینند و به ارزیابی آنها می پردازند، نقاط ضعف و قوت را بررسی می

جمهوری اسلامی سخنی و اشاره ای بمیان آورد؟ و در اخر ایا منصور اسانلو بهتر نبود بجای قانون گرایی افراطی و اصل "طلایی" و پوچ ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی، پرونده سرکوب عملی کارگران صنایع معدن خاتون آباد کرمان را با ۲۶ گلوله داغ و سربی که بسیار واقعی تر از اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی در ۱۳۸۲ قلب ۷ کارگر معترض را نشانه گرفت، یک بار دیگر در مقابل چشمان کارگران و مردم جهان بگشاید؟

در شرایط کنونی که روز بروز توازن قوا به نفع طبقه کارگر در ایران در حال تغییر است، کارگران رادیکال-کمونیست یعنی رهبران کارگری نباید یک لحظه از حرکت مخرب گرایش قانون گرای افراطی که به عنوان بازوی جنبش بی اعتبار ۲ خرداد در میان کارگران عمل میکند غفلت نمایند. چراکه رشد هژمونی و رهبری جنبش کمونیسم کارگری در جنبش طبقه کارگر در ایران مستلزم افشا، طرد و منزوی کردن این گرایش خطرناک و مخرب میباشد. رشد گرایش سوسیالیستی و هم گرایی و همکاری و اتحاد عمل در جنبش کارگری در اوضاع حساس و پرتحول کنونی گواه و شاهد واقعی این نگاه ما به مبارزات و اعتراضات کارگران در ایران است.*

از صفحه ۱۳

از صفحه ۱۳

کنند و بهترین راههای ممکن برای اداره کارخانه و شرکتهایشان می گیرند که چگونه با کمترین هزینه بیشترین سودها را بدست بیاورند، کارگران هم باید حداقل هفته ای یک بار در مورد وظایفی که در دستور کار داشته اند بحث کنند و نقطه ضعفها و قوتها را بررسی کنند و برای هفته آینده قرار تعیین کنند.*

نقاط ضعف و قوت را بررسی می

برای آزادی رهبران ...

از صفحه ۶

حبيب بكتاش

میشود. مشکلی که جنبش کارگری ایران با آن مواجه است، یک بخشش اینست که در بخشهای وسیع و کلیدی آن جنبش سندیکائی و سندیکالیسم هنوز رهبری کارگران را در دست دارد. طبقه کارگر ایران برای پیشروی و پیروزی خود راهی ندارد جز اینکه رهبران سازشکار و سندیکالیستی مثل منصور اسانلو و ابراهیم مددی را با قدرت و

قاطعیت کنار بزند و در کنار بخش رادیکال فعالین و تشکلهای کارگری برای برانداختن این دنیای وارونه و نظام سرمایه داری قدم بردارد. رشد و گسترش رادیکالیسم و سوسیالیسم تنها راه رهایی طبقه کارگر و زحمتکشان سایر اقشار اجتماعیت. واقعیت اینست که مجتمع های بزرگ کارگری مثل آموزش و پرورش و شرکت واحد نمیتوانند با وجود رهبرانی مثل اسانلو و مددی، با وجود رهبران

زنده باد سوسیالیسم

صفحه بین المللی کارگری

نگاهی به جنبش کارگری در مصر

نادر احمدی

کشور مصر مهمترین کشور عرب زبان و رهبر اتحادیه کشورهای عرب میباشد. حسنی مبارک رهبر کنونی مصر از ۱۴ اکتبر سال ۱۹۸۱ که انور سادات رئیس جمهور آن وقت مصر توسط خالد اسلامبولی به قتل رسید، رهبر بلامنازع مصر است و در ۵ دوره پی در پی به ریاست جمهوری مصر رسیده است. دولت مصر در میان لیست دولتهای جهان که از آمریکا کمک مالی سالانه دریافت میکنند بعد از اسرائیل بیشترین مبلغ کمک مالی و نظامی را دریافت میکند.

در ماههای اخیر مصر شاهد قویترین و گستردهترین اعتراضات کارگری بوده است که از زمان جنگ دوم جهانی تا کنون بیسابقه میباشد. روزنامه مصری المصر الیوم نوشت که در سال ۲۰۰۶ بیش از ۲۲۲ مورد اعتصاب، توقف کار، اعتصاب غذا و تظاهرات کارگری به وقوع پیوسته است و اکنون تقریباً هر روز در یک نقطه از مصر یک اعتراض کارگری به وقوع میپیوندد.

گروه The citizen group Egyptian Workers and Watch Trade Union، ۵۶

اعتراض در ماه آوریل و ۲۵ اعتراض دیگر را در ماه می امسال (۲۰۰۷) ثبت کرده است و این اعتراضات از صنایع پارچه بافی آغاز و به بخشهای دیگر صنعت مثل کارگران تولید کننده مصالح ساختمانی، کارگران مترو، کارگران شهرداری، کارگران نانوايي، کارگران تولید مواد غذایی و دیگر کارگران سرایت کرده و این اعتراضات نیز مثل تمام دیگر اعتراضات ۴۰ سال اخیر توسط اتحادیه کارگری مورد حمایت دولت یعنی General

Federatio of Trade Unions

و دیگر تشکلات مشابه در کارخانها، غیر قانونی اعلام شده اند ولی اینبار برخلاف طغیانهای گروهی کارگران در سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ که به کارخانجات دولتی محدود بودند این اعتراضات، کارگران شاغل در بخش خصوصی را نیز در بر گرفته است. به محض شروع اولین اعتراضات کارگری، شناخته شده ترین طرفداران دمکراسی و در میان آنها چپگراها، سکولاریستهای ملی گرا و گاهی طرفداران اخوان المسلمین نیز در میان کارگران دیده میشدند. حکومت مصر بعد از ۳ سال تلاش مداوم برای کنترل جنبشهای خواهان دمکراسی، اکنون به یک ضد حمله بر علیه جنبش کارگری دست زده است و این ضد حمله زمانی اتفاق افتاده است که کارگران توجه خود را از دستمزد، سود و شرایط بهتر در محل کار، به وابستگی سیاسی خود به دولت از طریق اتحادیه های کارگری دست نشانده دولت متمرکز کرده اند.

کارگران و اخوان المسلمین

در انتخابات پارلمانی مصر در سال ۲۰۰۵ اخوان المسلمین ۸۸ کرسی پارلمان را از آن خود کرد و جنبش کفایا که خواهان پایان دادن به حکومت حسنی مبارک است با راه اندازی تظاهرات گسترده فضای خفقان طولانی حاکم بر مصر را شکست.

در بین اعتراضات مداوم کارگری در ماه آپریل، ۲۴۸ نفر از کارگران کارخانه تولید لباس Mansura-Spain که ۷۵ درصد از آنان زن هستند چندین بار به عنوان اعتراض دست از کار کشیدند. این کارگران معترض نگران بودند که با فروش این کارخانه به بانک خصوصی

Al-Masraf al-Muttahid

صاحب جدید، دستمزدهای تعویقی و سود سهام کارگران را که از سال ۱۹۹۵ به تعویق افتاده است نپردازد. بزرگترین اعتصاب کارگران بخش خصوصی در کارخانه نخ بافی Arab Polvara در شهر اسکندریه در ۲۴ مارس و بار دیگر در ۲ آپریل با شرکت نیمی از ۱۲۰۰۰ نفر از کارگران شاغل در این کارخانه در اعتراض به تبعیض بین کارگران و مدیران کارخانه در مورد سهام دریافتی و عدم پرداخت سود سهام کارگران به هنگام فروش کارخانه، به وقوع پیوست. آخرین بار در سال ۱۹۹۷ کارگران از بابت سود سهام خود فقط ۱۰،۴۵ دلار دریافت کردند.

دولت مصر اخوان المسلمین را متهم کرده که اعتصابات کارگران کارخانه Arab Polvara را برانگیخته است اما هیچ مدرکی وجود ندارد که دخالت اخوان المسلمین را در هیچیک از اعتراضات کارگری در سال گذشته اثبات کند. در واقع اخوان المسلمین هیچگاه نفوذی زیادی در بین کارگران بخش صنعت نداشته و حتی آنها در زمان وقوع اعتصابات کارگری به دولت کمک کرده اند. در حالیکه بعضی از اعضای اخوان المسلمین اعتراضات گسترده کارگران را تشویق میکنند اما بین کادر رهبری این تشکیلات که در تسلط سرمایه داران با نفوذ است و اعضای این تشکیلات که به طبقات میانی و فقیر تعلق دارند اختلاف نظر وجود دارد. در حالیکه جریان اخوان المسلمین عموماً محافظه کار است اما اخوان المسلمین شعبه شهر الکساندریه رادیکالتر است و بیشتر از بخشهای دیگر اخوان المسلمین دولت مصر را به مبارزه میطلبند.

ضرورت تشکیل فدراسیون اتحادیه های کارگری مستقل

اولین ایده های تشکیل اتحادیه

کارگری مستقل در جریان اعتصابات کارگران کارخانه های تولید آرد در شهرهای واقع در جلگه نیل شکل گرفت. در دسامبر ۲۰۰۶ کمیته محلی اتحادیه کارگران در کارخانه های نخ بافی و پارچه بافی Mahalla al-Kubra از اطاعت دستورات مسئولان مرکزی اتحادیه خودداری کردند و تولید در کارخانه را متوقف ساختند که این حرکت آنها به موفقیت بی نظیری منجر شد. کارگران اعتصابی و ناراضی در کارخانه Mahalla al-Kubra خواستار برکناری کمیته مرکزی فدراسیون اتحادیه های کارگری در قاهره که دست نشانده دولت بود شدند و وقتی که این درخواست آنان رد شد کارگران کارخانه های Shihin al-Kum و Kafr al-Dawwar نیز از خواست کارگران کارخانه Mahalla al-Kubra حمایت کردند. ایده تشکیل یک فدراسیون اتحادیه های کارگری که مستقل باشد و تحت کنترل دولت مرکزی مصر نباشد در واقع مورد حمایت تمامی تشکلهای سیاسی مخالف دولت مصر قرار دارد. کارگران کارخانه های نامبرده علیرغم مخالفت رهبران اتحادیه دست نشانده دولت ضمن پافشاری بر خواسته های خود به مبارزه ادامه دادند. سرانجام در نتیجه مبارزات متحد ۲۴۰۰۰ نفر از کارگران مبارز کارخانه های نخ بافی و پارچه بافی، در ماه مارس ۲۰۰۶ احمد زنیف نخست وزیر مصر مبلغ پاداش سالانه کارگران را از ۱۷ دلار به مبلغی معادل ۲ ماه حقوق برای تمام کارگران شاغل در بخش صنعتی - دولتی افزایش داد اما بعداً کارگران فهمیدند که مبلغ واقعی پیشنهادی چیزی حدود ۸۹ پاونده است که در نتیجه این حقه از طرف دولت روحیه مبارزاتی کارگران تشدید شد و برای مدت چند روز

کارگران حتی از دریافت حقوق خود خودداری کردند. تا اینکه در ۷ دسامبر هزاران تن از کارگران شیفت صبح کارخانه در Mahalla's Tal'at Harb مقابل درب ورودی کارخانه تجمع کردند و ۳۰۰۰ نفر از کارگران زن بخش لباس دوزی، به طرف کارخانه های نخ بافی و پارچه بافی که در آنجا بخشی از کارگران مرد هنوز به اعتصاب نپیوسته بودند راه افتادند و ضمن هجوم به محل کار آنان شعار میدادند: زن ها در حال مبارزه هستند پس مردها کجا هستند؟ در این میان پلیس ضد شورش نیز به محل اعزام شده بود اما به آنها گفته شده بود تا دخالت نکنند. در حالیکه شب شده بود کارگران مرد تلاش کردند تا همکاران زن خود را به خانه و نزد خانواده خود بفرستند تا روز بعد بازگردند اما زن ها از مردها رادیکالتر بودند و با وجود تهدید و ارباب از طرف پلیس آنها میخواستند که شب را در محل اعتصاب بمانند. صبح روز بعد در حالیکه پلیس میخواست به درون کارخانه حمله کند کارگران متحصن به همه دوستان کارگر و غیر کارگر خود تلفن زدند و از آنها خواستند تا خود را به محل کارخانه برسانند و بدین ترتیب بیش از ۲۰۰۰۰ نفر در محل کارخانه جمع شدند تا اینکه بعد از ۴ روز مبارزه بی امان سرانجام دولت رسماً قبول کرد که معادل ۴۵ روز در سال به کارگران پاداش بدهد و از خصوصی کردن این کارخانه ها خودداری کند که با این موفقیت کارگران، فدراسیون اتحادیه های به اصطلاح کارگری دست نشانده دولت روسپاه شد.

از زمان تصویب مکمل قانون کار در سال ۲۰۰۳ کارگران مصری در صورت تأیید رهبری عمومی

کارگران جهان متحد شوید

صفحه بین المللی...

از صفحه ۱۱

فدراسیون اتحادیه های کارگری مصر، مجازند اعتصاب کنند!! و از آنجا که چنگال حزب حاکم NDP (حزب دموکراتیک ملی!!) گلوی این فدراسیون به اصطلاح کارگری را میفشارد عملاً از سال ۲۰۰۳ تا کنون، تمام اعتصابات کارگری غیرقانونی اعلام شده اند.

فروش کارخانجات به بخش خصوصی

در فاصله ۱۲ مایلی شمال قاهره ۴۰۰ نفر از کارگران کارخانه نخ رسی Qalyub که به کارخانجات گروه ESCO تعلق دارد برای مدت چندین روز در اعتراض به تصمیم دولت برای فروش این کارخانه به بخش خصوصی دست به یک اعتصاب نشسته زده بودند زیرا این کارگران نگران بودند که بخش خصوصی حقوق و مزایای آنها را که در نتیجه سالها مبارزه بدست آورده بودند پایمال کند. در واقع مجموعه بزرگ کارخانجات ESCO در سال ۱۹۶۰ ملی شده بود. اعتصابات اخیر زمانی شروع شد که دولت و کارفرماها که در اثر فشارهای یک اعتصاب ۱۰ روزه در اکتبر ۲۰۰۴ تحقق یک بازنشستگی خوب و زودرس را به کارگران قول داده بودند، زیر قول خود زدند و به تعهدات خود وفا نکردند. دولت مصر در نتیجه سیاست دیکته شده توسط دولت آمریکا، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول از سال ۱۹۹۳ تا سال ۱۹۹۹ بیش از ۱۰۰ کارخانه و مجتمع تولیدی را به بخش خصوصی فروخته و صندوق بین المللی پول در سال ۱۹۹۹ رضایت خود را از سیاستهای مدیریت اقتصادی دولت مصر اعلام کرد.

معمولاً اولین مرحله از اجرای سیاست خصوصی سازی، کاهش

تعداد کارگران شاغل و افزایش شدت کار و استثمار است تا بتوان با تعداد هر چه کمتری از نیروی کار حجم بیشتری از کار را انجام داد و سود بیشتری بدست آورد. برای مثال تعداد کارگران شاغل در ۶ کارخانه مجموعه کارخانجات ESCO که تعدادشان در سال ۱۹۸۰، ۲۴ هزار نفر بود این تعداد را در سال ۱۹۸۷ به ۳۵۰۰ نفر کاهش دادند که بدین ترتیب اکنون ۳۵۰۰ نفر کارگر، کار ۲۴۰۰۰ نفر را انجام می دهند.

سیاست خصوصی سازی در صنایع گسترده پارچه بافی مصر زمانی از نظر صاحبان سرمایه ضرورت بیشتری پیدا کرد که کارخانجات مصری در رقابت با محصولات ارزان تولیدی چین و دیگر کشورهای آسیای جنوب شرقی نتوانستند با آنها رقابت کنند و دچار بحران شدند. بدین ترتیب گلوبالیزاسیون سرمایه در حالیکه مثلاً در چین و هند ظاهراً تولید شغل میکند و با پرداخت دستمزد بخور و نمیر کارگران آنجا را غارت میکند، اما در کشور دیگری مثل مصر مشاغل تعداد زیادی از کارگران را از آنان میگیرد و آنان را به خاک سیاه مینشانند. در شرایط کنونی گلوبالیزاسیون سرمایه حکم میکند که در جهت افزایش سود، شرکتها و مؤسسات سرمایه داری حتی در کشورهای غربی تعداد کارگران و پرسنل خود را به حداقل نفرات کاهش دهند که در نتیجه اجرای این سیاست هر روز تعداد زیادی بیکار میشوند و ارائه خدمات به مشتریان حذف میشود و فشار کاربر کارگران و کارمندان افزایش مییابد.

داوود رفاهی

اتحادیه های کارگران راه آهن آلمان خواهان افزایش دستمزد شدند

با نزدیک شدن سررسید قرارداد دستمزد بین اتحادیه ها و مدیریت شرکت راه آهن، کارگران روز سه شنبه ۲۶ ژوئن اعلام کردند چنانچه دستمزدهایشان افزایش پیدا نکنند اعتصاب را در دستور کار خود قرار خواهند داد. آنها خواهان افزایش دستمزدی معادل ۷ درصد برای ۱۳۴۰۰۰ کارگر راه آهن هستند. تاکنون مدیریت شرکت با افزایش معادل ۲ درصد در ژانویه ۲۰۰۸ و ۲ درصد دیگر در ژوئن ۲۰۰۹ موافقت کرده است، اما اتحادیه ها با صدور بیانیه ای آن را به مسخره گرفتن کارگران توصیف کرده اند. مدیریت شرکت برای منصرف کردن کارگران از پافشاری بر خواسته هایشان گفته است که اگر شرکت راه آهن مجبور به افزایش ۷ درصد دستمزدها شود، ممکن است برای پیشگیری از ضرر شرکت مجبور به اخراج بیش از ۹۰۰۰ کارگر بشود. کارگران که گوششان به این حرفها بدهکار نیست، تهدید خود را مبنی بر دست زدن به اعتصاب تکرار کرده اند. مدیریت شرکت راه آهن آنرا نشانه عدم مسئولیت خوانده است.

لازم به یادآوری است که اخیراً دولت آلمان تصمیم گرفته است بیش از نیمی از سهام راه آهن را به بخش خصوصی واگذار بکند.

اعتصاب قدرتمند کارگران معادن مس در شیلی

هزاران کارگر معدن مس کودلکو (Codelco) در شیلی جاده ها را بستند، اتوبوسهای شرکت را به آتش کشیدند و با پلیس درگیر شدند. آنها که جزو کارگران قراردادی هستند از مدت ها قبل خواهان افزایش دستمزد، دریافت پاداش و

دسترسی به خدمات درمانی و آموزشی هستند. این کارگران که تعدادشان به ۳۰ هزار تن میرسد، بسادگی خواستار دریافت حق و حقوقی معادل کارگران رسمی شرکت که ۱۷۰۰۰ نفر هستند، میباشند.

کریستین کیوواس (Cristian Cuevas) سخنگوی کنفدراسیون کارگران مس گفته است اعتراضاتمان را گسترده تر خواهیم کرد و توانایی ادامه آنرا برای مدتی نسبتاً طولانی نیز داریم. به اعتراضاتمان خاتمه نخواهیم داد مگر اینکه دولت مذاکره با ما را از سر بگیرد و به خواسته های ما گردن نهد.

با وجود دستگیری حدود ۷۰ تن از کارگران توسط پلیس و اعلام اینکه آنهايي که به اموال شرکت خسارت وارد کنند تحت تعقیب قانونی قرار میگیرند، کارگران مصمم به ادامه اعتراضاتشان تا رسیدن به مطالباتشان هستند.

طی سه سال گذشته قیمت مس در بازار جهانی حدود سه برابر افزایش داشته است، ولی با این وجود هیچ تغییری در وضعیت دستمزد و حقوق کارگران تولید شرکت Codelco متعلق به دولت شیلی است. کشور شیلی بزرگترین تولید کننده مس جهان و شرکت مزبور نیز بزرگترین شرکت تولید کننده مس در جهان است.

یک پیروزی برای کارگران راه و ساختمان امارات متحده عربی

بنابه اعلامیه ای که روز ۲۸ ژوئن از طرف وزارت کار امارات متحده صادر شده، برای کارگران راه و ساختمان و بطور کلی کارگرانی که در فضای باز و در معرض نور خورشید مشغول به کارند، از اول

ژوئیه تا آخر اوت، بین ساعات ۱۲ و نیم تا ۳ بعد از ظهر استراحت در نظر گرفته شده است. بر طبق این اعلامیه هیچ کارفرمایی حق ندارد طی این دو ماه از کارگانش بیش از ۵ ساعت در روز کار بکشد؛ و چنانچه در مواردی مجبور به این کار بشوند، کارگران مشمول اضافه کاری خواهند شد.

طی سالهای اخیر کارگران بطور گسترده دست به اعتراضات دسته جمعی برای بهبود شرایط کار و زندگی، افزایش دستمزد، استراحت در ساعات گرم روز، دریافت سالیانه بلیط رفت و برگشت به کشورهایی که از آنجا برای کار به امارات مهاجرت کرده اند (کارگران راه و ساختمان اغلب از کشورهای هند، پاکستان، چین، نپال، بنگلادش و ... هستند.) و غیره زده اند. کارگران این بخش چندین بار دست به تجمعات گسترده جلوی وزارت کار و سفارتخانه های کشور محل تولدشان زده اند و چندین بار با بستن جاده های اصلی شهر توجه مردم را به خواسته های خود جلب کرده اند. این اعتراضات باعث ارسال نامه های اعتراضی از جانب ILO و سازمان عفو بین الملل به دولت امارات شده است. تاکنون چند بار در موارد مشخص دولت مجبور به عقب نشینی و پاسخ به مطالبات کارگران شده است، ولی اینبار مجبور به تن دادن به خواسته های شده است که شامل صدها هزار کارگر میشود.

تقریباً در همه شهرهای امارات پروژه های بزرگ راه و ساختمان در دست اجرا است. فقط در شهر دبی تعداد این کارگران به ۳۰۰ هزار نفر تخمین زده میشود.

لازم به ذکر است که طی ماههای ژوئیه و اوت دمای هوا گاهی تا ۵۰ درجه سانتیگراد میرسد.

سایت کارگران

www.kagaran.org

زنده باد اتحاد و همبستگی بین المللی کارگران!

نگاه کارگران به خود

آرام دانشی از ایران

های مختلف زیر فشار قرار می گرفتند. با الصاق برجسبهای وحشت آوری به هر اعتراض کارگری، کارگران از ترس قرار نگرافتن در قالب این اتهامات که هستی و زندگی در حد زیر خط فقر موجودشان را زیر خطر قرار میداد، تا حد زیادی از با هم بودن و اعتراض کردن واهمه داشتند. بیش از یک دهه علی رغم افزایش سرسام آور تورم، حقوق کارگران به همان میزان سال ۵۸ باقی ماند اما طبقه کارگر اعتراضات چشمگیری از خود بروز نداد، هرچند فشارهای رویه افزایش اقتصادی به طور طبیعی و غیر ارادی کارگران را از وضع موجود هر روزه ناراضی تر و عاصی تر می کرد اما سعی می شد اعتراضات را به شکل تدافعی ابراز دارند. در فکر راه چاره ای بودند که بیشتر از آنچه را که تا آن وقت از دست نداده اند حفظ کنند. از ترس عوامل کارفرما که اعضای شوراهای اسلامی و خانه کارگر بخش اعظم امر بودند پنهانی و در خفا، از مشکلات عمومیشان با همدیگر درد دل می کردند. این شرایط پلیسی بتدریج کارگران را وادار به عقب نشینی و هر کس به فکر نگه داشتن کلاه خود کرد. دامنه اعتراضات به شدت محدود شد و طی این دوران نسبتاً طولانی تدافعی ماندن و عدم اعتماد به همدیگر در بین کارگران به سنت و روحیه ای بدل شد که قدرت ابراز وجود اعتراضی را گرفته بود.

اما ادامه این وضعیت بیش از آن برای کارگران قابل تحمل نبود، بعد از آن دوران تدافعی ناچار شد به تعرض روی آورد، چون سرمایه داری تا حدی به حقوق و سطح معیشت کارگران هجوم آورد که دیگر امکان ادامه حیات بخور و نمیر را از توده عظیمی از کارگران که بیکار شده

طبقه کارگر ایران تا چند سال پیش مدتهای طولانی ای بود که دچار مشکلی بود که آنرا میتوان "تشکیل گریزی" نام نهاد. طی سالها وضع بدینگونه بود که هر جا صحبت از مبارزه و اعتراض دسته جمعی به میان می آمد اضطرابی که تقریباً غریزی شده بود وجود بیشتر کارگران را می گرفت که مبدا به جرم باهم بودن دچار محصه ها و گرفتاریهای بیشتر از آنچه که هر روزه زندگی شان را تباه کرده شوند و به قول خودشان اوضاع بدتر از بد شود. دچار شدن اکثر کارگران به این روحیه محافظه کاری بخشا به اوضاع سیاسی حاکم طی آن دوره های طولانی برمی گردد که سرکوب گسترده طبقه کارگر بعد از سال ۵۷ در دستور کار خود قرار داده بود و تلاش می کرد به هر شکل ممکن باعث پراکندگی و از هم پاشیدگی اتحاد و انسجامی شود که در دوران انقلاب به درجه رشد بالائی رسیده بود. تحمیل تشکلهای خودساخته مانند "شوراهای اسلامی" و "خانه کارگر" به طبقه کارگر به جای تشکلهای واقعی و مستقل از دولت عامل مؤثری در این امر سرکوب شدید کارگران و بویژه تحت فشار گذاشتن فعالین کارگری بود. این نوع تشکلهای دولتی که کارشان جاسوسی و توطئه علیه کارگران است در واقع بخشی از ارگانهای سرکوب حکومت اسلامی هستند و مانع از هر گونه انسجام تحت نام تشکلهای کارگری بوده اند. طبقه کارگر تحت چنین شرایطی به شدت بی افق و سرخورده شده بود. هر تجمعی از سوی کارگران تحت عناوینی چون اخلاص گری و اقدام علیه امنیت ملی سرکوب می شد و فعالین آنها توسط همان تشکلهای ضد کارگری شناسائی و به شیوه

بودند گرفته بود و می رفت تا ادامه حیات توده های بیشتری را غیر ممکن سازد. گذشت این دوران طولانی کارگرانی که زمانی به شکل طبقه و متشکل در رویارویی با کارفرمایان و کل نظام سرمایه داری عرض اندام و صف آرائی می کرد حالا خود را بی شکل و بی نظم احساس می کرد و متأسفانه هنوز هم در میان خیلی از کارگران چنین رویکردی نسبت به موقعیت خود رواج دارد. باورهای کارگران منفرد ۵۰ سال گذشته که در مزارع مشغول کار بودند جای تفکر کارگر صنعتی و مدرن را گرفته بود. در حالیکه امروزه حتی کارگران کشاورزی هم در دسته های ۴۰، ۵۰ نفری آن هم از میدانهای کار شهرها که کارگران جویای کار در آن جاها جمع می شوند به سر کار در مزارع برای صاحب کاران کوچک و بزرگ می روند و استثمار می شوند. توده های عظیمی از کارگران که بسیاری از آنها قبلاً در کارخانه ها و مراکز صنعتی مشغول کار بوده و حالا از کار اخراج و بیکار شده اند در میان این کارگرانند. کارگرانی که در کنار و همراه با همکارانشان کمابیش تجاری در رویارویی با کارفرما را دارند. این خیل کارگران که به ناحق ساده نامیده می شوند (زیرا خیلی از آنها کارگران فنی و صنعتی بوده اند که اخراج شده اند) حداقل روزی یکبار هنگام تجمع در میدانها به انتظار کار دور هم جمع می شوند و گروه و گروه از مشقات روزی که پشت سر گذاشته اند با هم صحبت می کنند. در حالیکه امروزه عملاً کارگران حتی در ساده ترین بخشها که همان کارگران فصلی کشاورزی از پراکندگی فاصله گرفته و در قالب گروهها با هم هستند. بعد از گذشت آن دوره از سرکوب عریان حالا جمعها و دسته جاتی به نیابت از سرمایه داری که خود را تحت عنوان قیمت قییم و خیرخواه کارگران به قول خودشان بی

پناه به طبقه کارگر می فروشند می کوشند کارگران را با تفکر کارگر امروزی بیگانه کنند. بخشی دیگر از باوریه بی شکل بودن و خود کم بینی ای که در میان کارگران رایج است حاصل اینگونه تلاشهاست که در خدمت تکمیل روند قبلی است. وظیفه این جمع و دسته های خدمتگذار به سرمایه داری این است که واقعیت اجتماعی و تاریخی ای که هم اکنون مقابل چشمان همه زنده و موجود است را با ریاکاری انکار کنند و کارگران را از ایمان به آن عاجز کنند. می گویند کارگران ایران هنوز از نظر طبقاتی بالغ نشده اند، پراکنده اند و نمی توانند متشکل شوند، پس باید وکالت را به ما بسپارند و منتظر باشند.

باید قدرت طبقاتی خویش را ببینیم

تجربه به خوبی نشان داده است که کارگر جز به نیروی خود نمی تواند متکی باشد و هر جا و هر وقت دست آوردی به نفع خود داشته مدیون حضور عملی و بها دادن به موقعیت اجتماعی خود بوده. ویرس خود کم بینی را باید کشت و دیگر اجازه رسوخ مجدد را بهش نداد. کارگر باید برای تغییر وضعیت زندگی خود را عضوی از یک طبقه منسجم بداند و راه ایجاد هر گونه بهبودی ای به سود خود را در گرو پیوند با تلاش مشترک با هم طبقه ایپایش جستجو کند. در حالیکه سرمایه داران خود را اعضای طبقه سرمایه دار می دانند و هجومشان به سطح معیشت طبقه کارگر را سازمان یافته و منسجم اعمال می کنند هیچ کارگری به تنهایی نمی تواند حق خود را از کارفرمایی که دارای تشکیلات و سازمان و دولت است بگیرد. حتی کارفرما گوش شنوایی برای کارگر منفرد ندارد. کارگری که خود را ضعیف و ناتوان بداند، خود را بی صلاحیت و صغیر

بداند باید انتظار هر برخورد تحقیر کننده ای از سوی کارفرما را داشته باشد. کارگر هم باید تشکیلات، سازمان و حزب خود را داشته باشد. همانطور که کارفرمایان برای هر موضوعی جلسه تشکیل می دهند و به بحث می پردازند، کارگران هم باید خود را توانمند و شایسته برگزاری جلسه بدانند. کارگر تا حدی باید خود را شایسته و لایق بداند که هنگام حضور در مجامع عمومیش با ظاهر آراسته همان طور که می خواهد به مهمانی برود حاضر شود. این گونه تفکر و رویکرد به خود باعث بالا رفتن اعتماد به نفس و ارزش همسنگ قابل شدن برای خود در مقابله با کارفرما می شود. این را می توان به عنوان مطالبه ای خواست که مکان برگزاری مجمع عمومی کارگران باید از سوی کارفرما و به همان کیفیت سالنهای کنفرانس خودشان مهیا شود. شاید طرح چنین خواسته ای دور از دست یابی و تا حدی بر مبنای همان نگرش خود کم بینی، خیالپردازی به نظر برسد. چون کارگران الان مشکلات خیلی اساسی تری دارند که باید به آنها بپردازند، مثل پرداخت حقوق معوقه و غیره. اما واقعیت این است که ریشه بخش بزرگی از تمام مصائبی که زندگی طبقه کارگر را به تباهی کشانده همین خود کوچک شمردن در مقابل کارفرماست که او به خود اجازه می دهد تا این حد کارگر را تحقیر کند. کارگر حق دارد حداقل هفته ای یک بار در ساعت کار جلسه داشته باشد و مجمع عمومی برگزار کند. اگر کارفرما و عواملش هر زمان موضوعی برایشان مبرمیت پیدا می کند فوراً تشکیل جلسه می دهند. کارگران هم باید چنین حقی داشته باشند که هر لحظه نسبت به وقایع مربوط به خودشان گردهم آیند و بحث و تصمیم گیری کنند. کارگر باید خود را صاحب شأن و منزلت

اخبار اعتراضات کارگری در ایران

ابراهیم مددی و رضا نعمتی پس از يك شبانه روز دستگیری آزاد شدند

بنابه خبری که به حزب کمونیست کارگری رسیده صبح روز ۱۲ تیر، ۲ تن از فعالین سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، ابراهیم مددی و رضا نعمتی در حالی که بنابه قرار قبلی به اداره کار استان برای پیگیری خواست بازگشت به کار و گرفتن مطالبات خود مراجعه کرده بودند، به محض ورود به ساختمان این اداره، توسط کلاتری بهارستان دستگیر شدند. آخرین خبر دریافتی از گویای اینست که این دو تن روز چهارشنبه ۱۳ تیر آزاد شدند.

یاد آوری کنیم که روز ۱۳ تیر "ای تی اف" اتحادیه حمل و نقل جهانی که سندیکای شرکت واحد عضوی از انست امروز دستگیری این دو تن را شدیداً محکوم کرد و خواهان آزادی فوری آنها شد

کارگران تعلیقی شرکت واحد اخراج شدند

به گزارش خبرگزاری دولتی ایلنا، اداره کار رأی به اخراج ۴ کارگر تعلیقی دیگر شرکت واحد داد. سعید ترابیان، یکی از کارگران تعلیقی شرکت واحد به ایلنا در روز ۱۰ تیر میگوید: هیأت‌های حل اختلاف اداره کار شهر تهران تاکنون علاوه بر تأیید احکام اخراجی که در هیأت‌های تشخیص این ادارات برای گروه ۵۴ نفری فعالان تعلیقی شرکت واحد صادر شده، برای ۴ کارگر دیگر حکم اخراج صادر کرد. او در ادامه گفته است: این ۴ نفر قبلاً از هیأت تشخیص، رأی بازگشت به کار گرفته بودند که با اعتراض کارفرما و مدیریت شرکت واحد، هیأت حل اختلاف مسئول رسیدگی به پرونده آنها شده بود. اد آوری کنیم که روز ۱۳ تیر "ای تی اف" اتحادیه حمل و نقل جهانی که سندیکای شرکت واحد عضوی از انست

امروز دستگیری این دو تن را شدیداً محکوم کرد و خواهان آزادی فوری آنها شد

سوانح کار هر روزه از کارگران قربانی میگیرد

طبق خبری که مهرداد امیری، گزارشگر حزب کمونیست کارگری برای حزب فرستاده است، کارگر جوانی به نام امید منجزی چند روز پیش، در اثر انفجار ترانس فرسوده برق در شهرستان شوشتر، جانش را از دست میدهد. امیر منجزی که تنها ۲۴ سال سن داشت، در حالیکه قصد داشت فیزو ترانس برق خیابان طالقانی را که در حال سوختن و دود کردن بود قطع کند و با پله از پایه برق بالا میرفت، با انفجار مهیب ترانس فرسوده روبرو شد. بطوریکه تمام محتویات روغن ترانس برق به اطراف پخش شده و شعله گردید و باعث شد که از ارتفاع ۴ متری در حالیکه کمریندش سوخته و خودش نیز مشتعل شده بود به کف خیابان و در میان شعله های آتش پرتاب شد. وی توسط مردم به بیمارستان انتقال مییابد اما با کمال تأسف جان خود را بر اثر سوختگی و نبود لوازم کافی در بیمارستان شهرستان، همانجا جانش را از دست میدهد.

بنابه خبر منتشر شده دیگری در ۲ ژوئیه امسال، ۲ کارگر ساختمانی به اسامی غلامرضا و مجتبی نیز به هنگام کار در یک ساختمان در شهر "بندر ترکمن" در استان گلستان از بالای ساختمان به پائین سقوط کرده و جان باختند. کارگری دیگری نیز در مشهد که نام وی اعلام نگردیده در حین کار در یک ساختمان از طبقه پنجم ساختمان به پائین سقوط کرده و جانش را از دست میدهد. معدنکاری نیز در شهرستان محلات استان مرکزی که وی هم نامش هنوز اعلام نگردیده بر اثر برخورد سنگ به سرش جانش را در همین روز ۲ ژوئیه از دست میدهد.

ورامین: تجمع کارگران شهرداری

کارگران قراردادی شهرداری ورامین روز دوشنبه ۱۱ تیرماه در مقابل شهرداری ورامین تجمع کرده و خواستار پرداخت مطالبات خود شدند. این کارگران که در شرکت پیمانکاری شبشم طلایی یاس مشغول کار هستند چندین ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند. کارگران آلتیماتوم داده اند که در صورت پرداخت نشدن مطالباتشان دست به اعتصاب خواهند زد.

بیست و پنجمین تجمع اعتراضی کارگران قوه پارس قزوین

کارگران قوه پارس قزوین روز ۹ تیر برای بیست و پنجمین بار برای پیگیری به مطالبات خود از ساعت ۸ صبح تا ۱۲ ظهر در مقابل استانداری این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. این کارگران که هفته گذشته نیز خبر برگزار کردن تجمع اعتراضی آنها در مقابل دفتر احمدی نژاد را نیز منتشر کردیم، همچنان پیگیر مطالبات خود، از جمله دریافت حقوق به تعویق افتاده و امنیت شغلی هستند. کارگران قوه پارس با وجود اینکه بیست و پنجمین بار است که برای رسیدگی به مطالباتشان تجمع و اعتراض میکنند، اما تاکنون هیچ جواب قانع کننده ای دریافت نکرده اند.

تهران: تجمع اعتراضی کارگران شرکتهای وابسته به برق تهران

کارگران ۴ شرکت وابسته به اداره برق تهران در اعتراض به نپرداختن دستمزدهایشان توسط مدیریت این چهار شرکت، روز ۱۱ تیر در مقابل اداره برق تهران در سعادت آباد تجمع کردند. این ۴ شرکت عبارتند از تدبیر نیرو، ساخت نیرو، خدمات ترابری برق تهران و برق آرا. مطالبات کارگران از جمله عبارتند از امنیت شغلی و پرداخت فوری حقوق معوقه. در پایان این تجمع، مدیر عامل شرکت برق تهران وعده داد که برای حل مشکلات کارگران با شرکتهای مزبور مسئله را مورد بررسی قرار دهد. تا رسیدن خبر، نماینده مدیر عامل برق تهران در حال

مذاکره با کارگران بود.

تومار اعتراضی کارگران ایران نیل به رئیس جمهوری اسلامی

بنابه خبرهای منتشر شده در روز ۱۲ تیر، کارگران شرکت ایران نیل رشت، طی توماری به احمدی نژاد خواستار رفع مشکلات خود شدند. در قسمتی از این تومار آمده است که کارفرما طی دو مرحله اقدام به بازخریدی و اخراج کارگران کرده و با پایان مدت قرارداد، تعداد کارگران از ۲۶۰ نفر به ۵۰ نفر رسیده و جوی در کارخانه حاکم شده که در پایان شهریور، بقیه کارگران نیز اخراج خواهند شد. کارگران همچنین گفته اند که طی مراجعات مکرر به اداره کل کار و امور اجتماعی گیلان، نتیجه ای حاصل نشده و همه دستگاههای دولتی از قبیل استانداری و اداره کار به دلایل مختلف حق را به کارفرما میدهند و کارگران همچنان مورد ستم و استثمار کارگران قرار میگیرند. کارگران در پایان تومارشان خواهان رسیدگی به وضعیت بیکاری در استان گیلان شده اند.

کارگران نقاش و تزیینات ساختمان خواهان ۶ ساعت کار شدند

کارگران نقاش و تزیینات ساختمان روز ۲۵ خرداد طی طوماری اعتراضی خواستههای خود را باطالع ارگانها و مقامات دولتی رسانند و خواهان اقدام عاجل در مورد خواستههایشان شدند. این طومار که توسط هیئت بازگشائی سندیکای کارگران نقاش و تزیینات ساختمان تهیه شده بود توسط بیش از ۵۰۰ کارگر امضا شده بود. در این طومار به وضع نابسامان معیشتی، وضعیت کار سخت و طاقت فرسا در هوای سرد و گرم و در معرض خطرات جانی قرار گرفتن هر روزه بر اثر استنشام مواد شیمیائی سرطانزا و کار روی دارستههای بلند و سست و لرزان که هیچگونه استاندارد ایمنی ندارند، و بیکاری در نیمی از سال بدلیل فصلی بودن شغل و غیره اشاره شده بود و

خواهان تامین امنیت شغلی و برخوردار بودن از حقوق و مزایای تامین اجتماعی شده اند. طومار همچنین ضمن اشاره به اینکه بیش از ۸۰ درصد کارگران فاقد مسکن هستند خواهان ایجاد تعاونیهایی مسکن و دیگر امکانات برای حل مشکل مسکن کارگران است.

در بند ۴ این طومار کارگران خواهان تقلیل ساعات کار خود به حداکثر ۶ ساعت در روز و ۳۶ ساعت در هفته شده اند. بند ۵ این طومار نیز حق داشتن تشکل مستقل را حق خود میدانند و اعلام کرده است که بر این حق پافشاری میکنند. کارگران در پایان گفته اند: ما امضا کنندگان این بیانیه، از مسئولان امر خواستار اقدام عاجل و پیگیری سریع میباشیم.

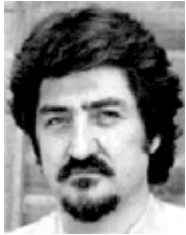
تبریز: اجتماع کارگران شرکت یاقوت سبز به اخراج

کارگران شرکت یاقوت سبز تبریز که طی چند روز گذشته از کارشان اخراج شده اند، روز اول تیر، بعد از بی نتیجه ماندن رسیدگی به خواستههایشان در سازمان کار و امور اجتماعی استان آذربایجان شرقی و موکول شدن آن به هفته آینده دست به يك تجمع اعتراضی زدند. این کارگران که اخیراً قراردادی شده بودند، بعد از اتمام دوره قرارداد آنها، کارفرما از اشتغال مجدد آنها خودداری کرده بود. یکی دیگر از مطالبات کارگران، پرداخت دستمزدهای ماه خرداد و پرداخت فوری حق بیمه به صندوق تأمین اجتماعی بود.

ارومیه: ادامه اعتراض کارگران کوره پزخانهها

روز ۸ خرداد امسال به اطلاع رساندیم که اعتصاب بیش از ۵ هزار کارگران کوره پزخانه های آذربایجان غربی وارد بیستیمین روز خود شده است. کوره های آجریزی آذربایجان غربی بیش از ۲۰ هزار کارگر دارد که فضای اعتراضی در همه این کوره پزخانه ها احساس میشود.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



منصور حکمت سخن بگویند. علاوه بر سخنرانان این مراسم شما هم پشت میز بایید و حرف بزنید. آنطور که شما منصور حکمت را شناختید. آنطور که در زندگی شما تاثیر داشت. منصور حکمت از زبان شما.

برنامه ها شامل: سخنرانی، نمایش فیلم و تریبون آزاد کانادا- ونکوور

زمان: یکشنبه ۸ جولای ۲۰۰۷ ساعت ۱۴ تا ۱۷ عصر
تلفن تماس: ۸۹۸۶-۷۲۷-۶۰۴
مصطفی صابر: منصور حکمت و یک فرهنگ جدید

کانادا- تورنتو
شنبه ۷ جولای ۲۰۰۷، ساعت ۷:۳۰ بعد از ظهر

حمید تقوایی: نقد سوسیالیستی

دموکراسی و رابطه آزادی و سوسیالیسم در دیدگاه منصور حکمت

خبات مجید: نقش منصور حکمت در شکل دادن به کمونیسم کارگری در عراق

آلمان - کلن
شنبه ۳۰ جون از ساعت ۱۵ زمان:
مینا احدی: منصور حکمت و متد برخورد به اسلام سیاسی

محمد آسنگران: منصور حکمت، جنبش شورائی و سندیکالیسم

منصور حکمت و کمونیسم در عمل

سوئد - استکهلم
زمان: شنبه ۷ جولای از ۱۹ تا ۲۲
سیامک بهاری: تحولات اجتماعی و نقش کمونیسم کارگری

اصغر کریمی: منصور حکمت و کمونیسم در ایران

سوئد - یوتبری

جمعه ۶ جولای از ساعت ۷ بعد از ظهر

شهلا دانشفر: منصور حکمت و جنبش کارگری

سوئد - مالمو

زمان: شنبه ۷ جولای از ساعت ۱۹

شهلا دانشفر: منصور حکمت و جنبش کارگری

(برای گرفتن اطلاعات بیشتر به سایت روزنه مراجعه کنید)

تشکیلات خارج کشور حزب

حزب کمونیست کارگری ایران دعوت میکند:

منصور حکمت از زبان شما

در اجتماعات و گردهمایی در شهرهای مختلف جهان

منصور حکمت زبان گویای همه

انسانهایی بود که به جهان نابرابر موجود اعتراض دارند. منصور حکمت اهداف و روش مبارزه اکثریت عظیم بشریت امروز برای تغییر دنیا را عرضه کرد. فرهنگ نیذیرفتن وضع موجود، سنت نقد بی تخفیف مذهب و خرافه و تبعیض بر اساس جنیست، ملیت، رنگ و غیره. اعتراض به همه نابرابری ها و بی حرمتی ها به انسان و به کل مناسبات استثمار. فرهنگ باور به تلاش انسانها. اینکه میشود دنیایی با یک عالمه شادی، مقادیر زیادی رفاه و آسایش و احترام به همدیگر ایجاد کرد. باور به عملی بودن "یک دنیای بهتر" و تلاش انسانها برای

متحقق کردن آن.

منصور حکمت متاسفانه در ۴

ژوئیه ۲۰۰۲ در گذشت. اما همه آن

شرایط اجتماعی نابرابر و ضد بشری

که او پرچم اعتراض به آنرا به دست

داشت، سر جایش باقی است. همه

انسانهایی که مانند او تشنه تغییر

جهان وارونه فعلی اند، همچنان

درگیر مبارزه ای نهان و آشکارند. و

هرروز صف های جدید به این مبارزه

می پیوندند.

در گرامیداشت یاد منصور

حکمت حزب کمونیست کارگری

گردهمایی هایی در شهرهای

مختلف جهان برگزار میکند و از

همه شما دعوت میکند تا در این

اجتماعات شرکت کنید و در باره

اخبار اعتراضات ...

از صفحه ۱۰

افزایش دستمزد و رسیدگی به امکانات رفاهی و ایمنی از جمله خواستهای کارگران در اعتصاب بوده است. طبق آخرین خبری که امروز منتشر شده، این کارگران همچنان در اعتراض هستند و خواهان افزایش فوری دستمزدهایشان شده اند. کارگران اعلام کرده اند که کارفرمایان کوره ها چندی قبل هر تن آجر را حدود ۱۵ هزار تومان می فروختند که این مقدار را اکنون به قیمت ۳۵ هزار تومان می فروشند، و این در حالی است که کارگران همچنان دستمزد زیر خط فقر را دریافت میکنند.

کارگران این کارخانه ۴ ماه حقوق نگرفته اند. امروز با شروع اعتصاب کارفرمای این کارخانه، کارگران اعتصابی را تهدید به اخراج کرد. کارگران متحدانه در مقابل کارفرما ایستادند و اعلام کردند تا دریافت همه حقوقهای معوقه اعتصاب را ادامه خواهند داد.

بعد از چند ساعت که اعتصاب ادامه داشت کارفرما به میان کارگران آمد و اعلام کرد: اگر اعتصاب را تمام کنید حقوق یک ماه را پرداخت خواهم کرد. کارگران در اعتراض به این سخنان کارفرما، اعلام کردند تا دریافت همه حقوقهای معوقه خود اعتصاب را ادامه خواهند داد. تا رسیدن این خبر اعتصاب همچنان ادامه دارد.

طیس: قرارداد کارگران زغال سنگ یک ماه دیگر تمدید شد!

اعتراض و مراجعات مکرر کارگران زغال سنگ طیس که قرار بود تا آخر خرداد اخراج شوند، باعث شد با قرارداد یک ماهه به سر کار برگردند. بهانه اخراج این کارگران توسط شرکت پیمانکاری پامیکو طیس اتمام قرارداد کارگران مطرح شده بود.

کارگران کارخانه نیرو رخس

به حمایت از اعتراض بازنشستگان صنعت نفت برخیزیم!

بنابه گزارشی که سایت "شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی" (شانا) روز ۵ تیر منتشر کرده است، شرکت نفت "کمیته ویژه ای برای رسیدگی به مشکلات بازنشستگان صنعت نفت" تشکیل داده است. این خبر حاکی است که بازنشستگان صنعت نفت به کاهش حقوق بازنشستگی و نحوه پرداخت فوق العاده جذب و کارگاهی اعتراض داشتند و وزیر نفت را مجبور به عکس العمل کرده اند. سایت "نفت نیوز" نیز روز ۴ تیر خبری منتشر کرد مبنی بر اینکه بازنشستگان شرکت نفت در شهرهای اهواز و اصفهان از طریق تهیه تومار، تماسهای تلفنی و مراجعه حضوری اعتراض خود را به گوش مقامات دولتی رسانده اند.

واضح است که این گزارشات آنچه که واقعا اتفاق افتاده است را منعکس نمیکنند با اینهمه ناراضاتی و اعتراض هرروز وسیعتر میشود و علیرغم تلاش سیستماتیک ارگانها و رسانه های حکومت برای درز نکردن اخبار مبارزه کارگران نفت به بیرون، حتی رسانه های دولتی هم مجبور به بیان گوشه ای از اعتراض کارگران نفت شده اند. سایت شانا بازنشستگان شرکت نفت را ۶۰ هزار نفر اعلام کرده است. این تعداد کارگر در واقع نان آور چند صد هزار نفر دیگر نیز هستند. از قبل شرایط غیرانسانی ای که بر سر کارگران شرکت نفت تحمیل کرده اند، مفتخوران انگل و مقامات جورواجور حکومت زندگی شاهانه برای خود ساخته اند، در حالیکه از دستمزدهای کاهش داده شده کارگران هر چه بیشتر میکاهند.

جمهوری اسلامی با کار و زحمت کارگران بویژه کارگران مراکز مهمی مثل نفت روی پای خود ایستاده است. اگر کارگران نفت فقط یک روز لوله های نفت را بر این رژیم ببندند، سرنوشتی بدتر از سرنوشت رژیم پهلوی در انتظار حکومتشان خواهد بود. حزب کمونیست کارگری همه کارگران و مردم آزاده، بخصوص کارگران شاغل صنعت نفت را به حمایت قاطع از مطالبات بازنشستگان شرکت نفت فرا میخواند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ ژوئن ۲۰۰۷، ۶ تیر ۱۳۸۶

به کمپین مبارزه برای آزادی فوری و بدون قید و شرط محمود صالحی پیوندید

برای آزادی فوری و بدون قید و شرط محمود صالحی نیاز به اقدامی اضطراری است



محمود صالحی

به: سازمانهای کارگری در سراسر جهان

همچنانکه اطلاع دارید محمود صالحی یکی از فعالین کارگری در ایران در تاریخ ۹ آپریل ۲۰۰۷ (۲۰ فروردین ۸۶) یعنی قبل از اول مه در شهر سقز دستگیر شد و از آن تاریخ تا کنون هنوز در زندان است. دادگاه تجدید نظر استان محمود صالحی را به یک سال زندان قطعی و سه سال حبس تعلیقی محکوم کرده است و او هم اکنون در زندان سنندج به سر میبرد. روز سه شنبه ۱۹ ژوئن (۲۹ خرداد) محمد شریف، وکیل مدافع محمود صالحی اعلام کرد که به اوجازه ملاقات با موکلش را نداده اند. محمود صالحی در سال های گذشته و در زندان، یکی از کلیه های خود را به صورت کامل از دست داد و کلیه دیگرش تنها بین پنج تا ۱۰ درصد کارایی دارد. گزارش های رسیده و نیز اظهارات نجیبه صالحی، همسر محمود صالحی، حاکی از شرایط بسیار بد جسمانی این فعال کارگری است. طبق گزارشی روز ۱۷ ژوئن (۲۷ خرداد) محمود صالحی تحت کنترل نیروی اطلاعاتی رژیم به مدت دو ساعت به بیمارستان توحید در شهر سنندج انتقال داده شد و آزمایش های انجام گرفته حاکیست که وضعیت وخیم کلیوی وی بر قلب او نیز تاثیر منفی گذاشته و دچار ناراحتی شدید است

محمود صالحی بار قبل نیز در سال ۸۳ به دلیل برگزاری روز جهانی کارگر در شهر سقز، بازداشت و به یک سال حبس تعزیری و دو سال حبس تعلیقی محکوم شد. محمود صالحی به جرم دفاع از حقوق کارگران و برپایی اول مه در زندان است. جمهوری اسلامی تلاش دارد با زندان کردن فعالین کارگری جنبش اعتراضی کارگری در ایران را عقب براند و هم اکنون اعتراضی برای آزادی محمود صالحی و تمامی زندانیان سیاسی و با خواست منع هر گونه تعقیب و تهدید فعالین کارگری در جریان است.

با توجه به همه اینها ضروری است که کمپینی اعتراضی برای آزادی محمود صالحی و تمامی زندانیان سیاسی در ایران در دستور گذاشته شود. بویژه محمود صالحی وضعیت جسمی اش وخیم است و باید اقدامی اضطراری برای آزادی او صورت گیرد. کمیته همبستگی بین المللی کارگری در ادامه فعالیت تا کنونی خود تشدید اعتراض برای آزادی محمود صالحی و پیشبرد قدرتمند کمپین برای آزادی محمود صالحی را در دستور کار خود دارد و از تمامی سازمانها و اتحادیه های کارگری در سراسر جهان تقاضا دارد که با تمام قوا به این کمپین کمک رسانند.

تا کنون سازمانهای کارگری بسیاری در اعتراض به دستگیری محمود صالحی و فعالین کارگری در اول مه سنندج نامه داده و عکس العمل نشان داده اند. سایت اینترنتی لیبر استارت کمپینی در حمایت از محمود صالحی اعلام کرده و هزاران نفر با گذاشتن امضای خود در زیر نامه اعتراضی مندرج در این سایت، پشتیبانی خود را اعلام داشته اند. با وجود چنین اعتراضات گسترده ای، دستگیر شدگان اول مه سنندج شیث امانی و صدیق کریمی

از زندان آزاد شدند. ما این پیروزی را به همه سازمانهای کارگری و کارگران در ایران تبریک میگویم و ضمن قدردانی از همه این تلاش ها، بر ادامه قدرتمند این کمپین تا آزادی بدون قید و شرط محمود صالحی و آزادی زندانیان سیاسی در ایران تاکید داریم. با توجه به اینکه در فاصله ۹ تا ۱۳ جولای در ایران تحرك زیادی در ارتباط با آزادی زندانیان سیاسی در جریان خواهد بود، ما پیشنهاد می کنیم که از سوی اتحادیه های کارگری در سراسر جهان نیز، این روزها بعنوان يك هفته همبستگی با زندانیان سیاسی در ایران و برای آزادی فوری محمود صالحی از زندان اعلام گردد.

با تشکر
کمیته همبستگی بین المللی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران

هماهنگ کننده شهلا دانشفر
روابط عمومی بهرام سروش
۲۵ ژوئن ۲۰۰۷ - ۴ تیر ۸۶

آخرین خبر از وضعیت

محمود صالحی

جان محمود صالحی از فعالان کارگری کردستان به شدت در خطر است
کلیه های محمود صالحی از کار افتاده است. بدن این فعال کارگری در اثر شکنجه و ناراحتی



کلیه به حدی متورم شده است که لباس بر تن او نمی رود. قاضی پرونده رسماً به آشنایان او عنوان نموده است: او را آنقدر نگاه می داریم تا در زندان بمیرد. به دوستان و مجامع بین المللی اطلاع رسانی کنید. با تمام قوا برای آزادی محمود صالحی بکوشیم. محمود صالحی باید فوری و بدون قید و شرط از زندانی آزاد شود.

تجمع اعتراضی معلمان در مقابل مجلس اسلامی

صبح امروز ۳ تیر ۸۶، تعدادی از معلمان حق التدریسی در اعتراض به تبعیض در استخدام معلمان و سلیقه ای عمل کردن استخدام در آموزش و پرورش در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. به گزارش های رسیده این معلمان از استانهای فارس، اصفهان و چهارمحال و بختیاری به تهران آمده بودند تا در مقابل مجلس اسلامی تجمع کنند.

اخبار اعتراضات ماههای اخیر معلمان از اخبار مهم مربوط به اعتراضات توده ای در ایران بوده است. هنوز تعداد قابل توجهی از معلمان که در جریان اعتراضات اخیر دستگیر شده بودند و با قید وثیقه آزاد شده بودند قرار است به دادگاه احضار شوند. چندی پیش نیز تعدادی از معلمان به دلیل شرکت در اعتراضات از حق تدریس برای چندین ماه محروم شدند که این هم شیوه دیگری از زیر فشار گذاشتن اقشار معترض جامعه است. از سوی دیگر معلمان برای همبستگی با همکاران خود که منفضل از خدمت شده اند صندوق گذاشته اند تا بتوانند تا به سرانجام رسیدن مبارزات معلمان آنان را کمک نمایند، و با وجودیکه بخاطر ایجاد این صندوقها از جانب حکومت تحت فشار قرار گرفته اند اما اعلام کرده اند که به کار خود ادامه میدهند.

مبارزه و خواست معلمان برای رفع تبعیض و برای يك زندگی بهتر و انسانی است. حزب کمونیست کارگری همه مردم را به حمایت از اعتراضات معلمان فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳ تیر ۱۳۸۶ - ۲۴ ژوئن ۲۰۰۷

زنده باد سوسیالیسم